

دعوت به

دعا

با راهنمای مطالعه

جان سی. رایل

انتشارات پارسا

چاپ نخست ۲۰۱۵

حق چاپ محفوظ است © ۲۰۱۵ مؤسسه پارسا

A CALL TO PRAYER

With Study Guide

John C. Ryle

English Edition: © 2001 Chapel Library - *Bible Institute Edition*

Chapel Library

2603 W. WRIGHT ST. • PENSACOLA, FLORIDA 32505 • USA

www.chapellibrary.org

Persian (Farsi) Translation by Parisa Dadras

Persian translation copyright © Parsa Trust 2015

All rights reserved.

For further copies and other publications, contact:

PARSA TRUST

P.O. Box 1079

CHELTENHAM

GL50 9NU

United Kingdom

www.parsaweb.org

برای درخواست بیشتر این کتابچه، پرسش‌ها
و دیگر کتب با آدرس ذکر شده تماس بگیرید.

فهرست

صفحه

۵	پیشگفتار	
۷	دعا لازمه نجات است	۱.
۱۱	عادت دعا: نشانه یک مسیحی واقعی	۲.
۱۷	دعا: وظیفه‌ای که بسیار مورد غفلت واقع شده	۳.
۲۳	دعا موجب تشویق بسیار می‌شود	۴.
۲۹	پشتکار در دعا، راز قدوسیت	۵.
۳۶	دعا و ارتداد	۶.
۴۱	دعا و قناعت	۷.
۴۷	نصیحتی به کسانی که هنوز نجات نیافته‌اند	۸.
۵۶	مشورتی به مقدسین - بخش اول	۹.
۶۵	مشورتی به مقدسین - بخش دوم	۱۰.
۷۳	دعای شفاعتی: نیاز و ضرورت آن	۱۱.
۸۲	خدا ما را به دعا کردن فرامی‌خواند	۱۲.
۹۰	زمینه‌های اعتماد ما	۱۳.
۹۷	ضمیمه ۱: دایره دعا	۱۴.

«... همیشه باید دعا کرد...» (لوقا ۱۸: ۱)

«... سفارش می‌کنم که دعاها را برای جمیع مردم به جا آورند.»

(۱ تیموتائوس ۲: ۱)

پیشگفتار

چند پیشنهاد

این دوره آموزشی بر مطالب کتابچه‌های «دعوت به دعا» به قلم جی. سی. رایل (دروس ۱ تا ۹) و «اوقات استراحت» به قلم ال. آر. شلتون جونور (دروس ۱۰ - ۱۴) مبتنی می‌باشد. لطفاً با استفاده از اطلاعات ارائه شده در متن درس، به سؤالات مربوطه پاسخ دهید. پیش از شروع پاسخگویی به سؤالات، حتماً بخشهای مرتبط با هر درس را در این کتابچه مطالعه کنید.

خواهشمند است دروس را آهسته بخوانید تا آنچه را که مطالعه می‌کنید درک نمایید. خوب است همیشه قبل از شروع مطالعه هر درس دعا کنید و از خداوند بخواهید به شما حکمت بدهد تا آنچه را که آموخته‌اید در زندگی خود به کار گیرید و هم اینکه شما را قادر سازد او را «با تمام فکر، دل، جان و قوت خود محبت نمایید ... چرا که این حکم اول خدا است» (مرقس ۱۲: ۳).

اکثر سؤالات دروس، سؤالات جوابی هستند و با هدف تقویت درک اساسی درس مورد نظر طراحی شده‌اند. این سؤالات مبنای مطالعه را تشکیل می‌دهند.

سؤالات «شخصی‌سازی موضوع» اصول کتاب مقدسی را به عرصه کاربرد عملی می‌آورند. خواهشمند است به این سؤالات به زبان خودتان جواب دهید. هدف از طرح چنین سؤالاتی، تبدیل زندگی شما در قبال خدا می‌باشد. در خصوص جواب این سؤالات، موضوع جواب درست یا نادرست مطرح نیست، آنچه ما به دنبالش هستیم صرفاً صداقت شما در

زمینه تعهدات شخصی ای است که دارید.

سخنی درباره نویسنده کتاب

جان چارلز رایل^۱ (۱۸۱۶-۱۹۰۰) به مدت ۴۰ سال خادم انجیل در کلیساهای رو به تباهی نهاده حوزه کلیساهای انگلستان^۲ بود. سپس، در سال ۱۸۸۰ به مقام اسقفی شهر لیورپول^۳ نائل شد و به عنوان واعظ کلام، مفسر کتاب مقدس و نویسنده در عرصه جهانی مطرح گردید و امروزه شهرت وی به خاطر مکتوبات ساده و پرهیجانی است که در خصوص موضوعات عملی و روحانی دارد، سبکی که به عمد جهت مخاطب قرار دادن مردمان عادی به کار گرفته شد. هدف بزرگ وی در خدمتی که می نمود، تشویق ایمانداران برای داشتن زندگی مسیحی پایدار و همراه با جدیت بود. در اواخر دهه ۱۸۰۰ میلادی جزوات و کتابهای او در میلیونها نسخه به فروش رسید و بسیاری از آنها تا امروز بازها تجدید چاپ شده اند. کسی که به عنوان اسقف لیورپول جانشین رایل شد، درباره وی اینگونه اظهار نظر کرد: "وقتی کلام چنین مردی را می خوانیم، گویی سخنان او نیرویی تازه می یابند. رایل نزدیک به خدا زندگی می کرد و خدا از طریق او."

ال. آر. شلتون جونور^۴ در فاصله سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ شبان و بنیانگذار کلیسای Mount Zion Bible در پَنساکولای^۵ فلوریدا^۶ بود.

John Charles Ryle ۱
 Anglican Church ۲
 Liverpool ۳
 L. R. Shelton Jr. ۴
 Pensacola ۵
 Florida ۶

۱. دعا لازمه نجات است

آیا دعا می‌کنید؟

می‌خواهم از شما سؤالی بپرسم که از سه کلمه تشکیل شده است. آیا دعا می‌کنید؟

این سؤالی است که جز شما کسی نمی‌تواند جواب بدهد. اینکه در جلسات عبادتی کلیسا شرکت می‌کنید یا خیر، شبان شما می‌داند. اینکه در منزل خود دعای خانوادگی دارید یا خیر، اعضای خانواده شما می‌دانند. اما این سؤال که آیا در خلوت خود دعا می‌کنید یا خیر، موضوعی است بین شما و خدا.

در کمال محبت استدعا می‌کنم به موضوعی که می‌خواهم با شما مطرح کنم توجه نمایید. نگویید سؤال من بیش از اندازه خصوصی است. اگر دل شما در نظر خدا راست باشد، چیزی برای ترسیدن وجود ندارد. خواهش می‌کنم سؤالم را با این جواب که شما دعای خود را می‌خوانید، پشت گوش نیندازید. دعا خواندن یک چیز است و دعا کردن چیزی دیگر. به من نگویید که لازم نبود این سؤال مطرح شود. لطفاً چند دقیقه‌ای به حرفهایم

گوش دهید و من دلایل خوبی را جهت طرح این سؤال برای شما خواهم آورد.

دعا، لازمه نجات

از شما می‌پرسم آیا دعا می‌کنید یا خیر، چون دعا قطعاً برای نجات شخص لازم است.

می‌گویم دعا قطعاً لازم است و این را به عنوان یک نصیحت به شما عرض می‌کنم. مخاطب حال حاضر من نوزادان یا ابلهان نیستند. مشکل من با بت پرستان نیست. این را می‌دانم که به هر که کم داده شود، از وی بازخواست کمی نیز خواهد شد. روی سخن من به طور خاص با کسانی است که در کشوری همچون کشور ما خود را مسیحی می‌نامند و دربارهٔ چنین افرادی می‌گویم زن یا مردی که دعا نمی‌کند، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که نجات بیابد.

من همچون هر ایماندار دیگری قویاً باور دارم که نجات محض فیض صورت می‌پذیرد. در این خصوص، بزرگترین گناهکاری را که تاکنون زیسته با شادی از این امر بری می‌دانم و بدون هیچ تردیدی نزد بستر مرگ وی حاضر می‌شوم و می‌گویم: «اکنون به خداوند عیسی مسیح ایمان آور و نجات خواهی یافت.» اما اینکه انسان بدون درخواست نجات آن را بدست بیاورد، من نمی‌توانم چنین چیزی را در کتاب مقدس پیدا کنم. اینکه انسان بدون برافراشتن دل خود به حضور خدا و گفتن اینکه «خداوند عیسی گناهان مرا عفو نما» بخشش گناهان خویش را دریافت نماید، من چنین چیزی را نمی‌توانم در کلام خدا بیابم. می‌توانم در کتاب مقدس مشاهده کنم که هیچ کس با دعای خود نجات نمی‌یابد، اما اینکه شخص بدون دعا نجات خواهد یافت را در هیچ جای کلام خدا نمی‌بینم.

برای آنکه انسان نجات پیدا کند، لازم نیست حتماً کتاب مقدس بخواند، چون ممکن است شخص بی سواد یا نابینا باشد و با این وجود، مسیح را در قلب خود داشته باشد. برای آنکه شخص نجات پیدا کند، حتماً ضرورتی ندارد موعظات عمومی انجیل را بشنود، چرا که ممکن است در جایی زندگی کند که انجیل در آن موعظه نمی شود یا اینکه خود او بستری یا ناشنوا باشد. اما در مورد دعا نمی توان چنین گفت. برای آنکه شخص نجات پیدا کند، او باید دعا نماید.

مسئولیت شخصی

هیچ راه شاهانه‌ای برای حصول سلامتی و یا یادگیری در کار نیست. امیران و پادشاهان، فقرا و رعایا همه باید به یک شکل نیازهای بدن و ذهن خود را برطرف سازند. هیچ کس نمی تواند به نیابت از شخصی دیگر بخورد، بنوشد یا بخوابد. هیچ کس نمی تواند الفبا را به وسیله یادگیری کسی دیگر به جای خودش یاد بگیرد. همه این کارها چیزهایی هستند که فرد باید شخصاً بیاموزد؛ در غیر این صورت، اصلاً انجام شدنی نیستند.

همان وضعیتی که در مورد ذهن و بدن برقرار است، در رابطه با روح نیز حاکم می باشد. چیزهایی وجود دارند که نیاز مسلم سلامت و بهزیستی روح هستند و هر فرد باید شخصاً به آنها بپردازد. هر انسان باید به جای خودش توبه کند، هر کس باید مسیح را برای خویش داشته باشد و برای شخص خودش با خدا صحبت کرده، دعا بنماید. شما باید این کار را برای خودتان انجام دهید چون این کار به جای هیچ کس دیگری قابل انجام نیست.

دعا نکردن یعنی بدون خدا، بدون مسیح، بدون فیض، بدون امید و بدون آسمان بودن. دعا نکردن یعنی در مسیر جهنم قرار گرفتن. آیا باز تعجب می کنید چرا پرسیدم آیا دعا می کنید؟

سؤالات آموزشی درس اول

لطفاً در ابتدا متن فصل اول را بخوانید.

آیا دعا می‌کنید؟

۱. لطفاً در تمام مدت گذراندن این دوره آموزشی، هر روز در یک جای دنج دعا کنید و زمان و مکان دعای خود را در پاسخنامه مشخص نمایید.

دعا، لازمه نجات

۲. نویسنده کتاب این موضوع را روشن می‌سازد که شخص به وسیله فیض نجات می‌یابد و نه به وسیله دعا. پس این گفته به چه معنا است: ”زن یا مردی که دعا نمی‌کند، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که نجات بیابد.“؟

مسئولیت شخصی

۳. عواقب دعا نکردن چه هستند؟

۴. قسمتهای کتاب مقدسی زیر با موضوع فصل ۱ یعنی «دعا لازمه نجات است» مرتبط می‌باشند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- رومیان ۱۰: ۹ - ۱۰

ب- اعمال رسولان ۱۰: ۱ - ۶

۲. عادت دعا - نشانهٔ یک مسیحی واقعی

آنان که دعا می‌کنند

بار دیگر می‌پرسم آیا شما دعا می‌کنید یا خیر چراکه عادت دعا یکی از مطمئن‌ترین نشانه‌های یک مسیحی واقعی است.

از این منظر، همهٔ فرزندان خدا مثل هم هستند. آنها از همان لحظه‌ای که زندگی و واقعیتی دربارهٔ مذهب‌شان شکل می‌گیرد، دعا می‌کنند. همانطور که اولین نشانهٔ حیات در نوزادی که به دنیا می‌آید عمل نفس کشیدن است، نخستین کاری که مردان و زنان در زمان تولد دوباره انجام می‌دهند، دعا کردن است.

در واقع، یکی از نشانه‌های مشترک همهٔ برگزیدگان خدا این است که «روز و شب» او را می‌خوانند (لوقا ۱۸: ۱). روح‌القدس که آنها را خلقتی نو می‌سازد، در ایشان حس فرزندخواندگی را به وجود می‌آورد و اینکه خدا را «آبا، پدر» بخوانند (رومیان ۸: ۱۵). وقتی عیسی خداوند آنها را احیا می‌کند، صدا و زبانی به ایشان می‌دهد و می‌گوید: «دیگر خاموش نباشید.»

خدا فرزندان لال ندارد. در حقیقت، این بخششی از ماهیت جدید آنها یعنی فرزند خدا بودن است که دعا می‌کنند. آنها نیاز خود به رحم و فیض خدا را می‌بینند و تهی بودن و ضعف خویش را احساس می‌نمایند. در واقع، غیر از این نمی‌توانند کاری انجام دهند. آنها باید دعا کنند.

من نگاه دقیقی به زندگی مقدسین خدا در کتاب مقدس داشته‌ام. نمی‌توانم حتی یکی از کسانی را که از کتاب پیدایش تا مکاشفه یوحنا بیشتر تاریخچه زندگی‌شان برایمان گفته شده بیابم که مرد (یا زن) دعا نبوده باشد. دریافتم که اینکه «او را پدر بخوانند...» (۱ پطرس ۱: ۱۷) یا «نام خداوند عیسی مسیح را می‌خوانند» (۱ قرنتیان ۱: ۲)، یکی از مشخصه‌های خداشناسان است. این واقعیت که شریان «خداوند را نمی‌خوانند» (مزمور ۱۴: ۴) به عنوان یکی از ویژگیهای آنها ثبت گردیده است.

من داستان زندگی مسیحیان برجسته زیادی را خوانده‌ام که از ابتدای کتاب مقدس در این دنیا می‌زیستند. درمی‌یابم که برخی از آنها ثروتمند بودند و برخی فقیر؛ بعضی تحصیلکرده و برخی بیسواد؛ عده‌ای از آنها اِپِسکوپال بودند و بعضی مسیحیانی با اسامی دیگر؛ بعضی کالوینیستی بودند و برخی آرمینیوسی؛ بعضی‌ها دوست داشتند از یک آئین نیایش خاص استفاده کنند و برخی دیگر از هیچ آئینی بهره نگرفتند. اما می‌بینم که در همه آنها یک چیز مشترک وجود داشت و آن این است که همه آن مردان دعا می‌کردند.

من گزارشهای جوامع میسیونری زمان خودم را مطالعه می‌کنم. با شادی می‌بینم که چطور مردان و زنان بت‌پرست در نقاط مختلف جهان پیغام انجیل را می‌پذیرند. اکنون گفتگوهایی در نیوزلند، هندوستان و چین در حال انجام هستند. کسانی که ایمان می‌آورند، طبیعتاً از هر نظر با هم فرق دارند. اما موضوع جالبی که در همه نقاط خدمات میسیونری مشاهده می‌کنم این است که تمام آنانی که ایمان می‌آورند همیشه دعا می‌کنند.

دعا نکردن

البته انکار نمی‌کنم این امکان وجود دارد که شخص بتواند بدون احساس و صداقت دعا کند. من حتی برای یک لحظه هم که شده، تظاهر به گفتن این موضوع نمی‌نمایم که صرفاً این واقعیت که شخصی دعا می‌کند، همه چیز را دربارهٔ روح وی ثابت می‌نماید. همانند هر بخش دیگری از مذهب، در این امر نیز ممکن است فریب و ریاکاری وجود داشته باشد.

اما این را با اطمینان می‌گویم که دعا نکردن دلیلی است روشن بر اینکه شخص هنوز یک مسیحی واقعی نیست. او واقعاً نمی‌تواند گناهان خود را احساس کند، نمی‌تواند خدا را دوست داشته باشد، نمی‌تواند خود را مدیون مسیح بداند و نمی‌تواند مشتاق قدوسیت بوده، خواهان بهشت باشد. او باید از نو متولد شود و خلقتی تازه گردد. شاید با اطمینان به برگزیدگی، فیض، ایمان، امید و شناخت خود فخر کند و افراد ناآگاه را بفریبد، اما می‌توانید اطمینان داشته باشید که اگر او دعا نمی‌کند، همهٔ حرفهایش بیهوده است.

گواه حقیقی

مضاف بر این، می‌گویم که از بین همهٔ شواهد کار واقعی روح خدا، عادت داشتن دعای شخصی مشتاقانه یکی از رضایتبخش‌ترین شواهدی است که می‌توان نام برد. ممکن است شخص با انگیزه‌های غلط موعظه کند، کتابها بنویسد، سخنرانیهای زیبایی ایراد کند، در انجام کارهای نیک کوشا به نظر برسد و با این وجود، یهودای اسخریوطی باشد. اما به ندرت پیش می‌آید که شخص به خلوتگاه خویش برود و در پنهانی دل خود را به حضور خدا بگشاید، مگر اینکه صادق باشد. حتی خود خداوند نیز مهر تأیید را بر دعا به عنوان بهترین گواه یک گفت و شنود واقعی زده است. هنگامی

که او حنانيا را نزد سولس در دمشق فرستاد، به وی هيچ گواه ديگري دال بر تبديل و عوض شدن نداد جز اينکه ”... اينک دعا می کند“ (اعمال ۹: ۱۱).

می دانم که قبل از دعا کردن، چه چیزها که در فکر انسان نمی گذرند. او ممکن است محکومیت ها، خواسته ها، آرزوها، احساسات، مقاصد، تصمیمات، امیدها و ترسهای داشته باشد. اما همه اینها شواهدی هستند بس نامطمئن. مفروض است چنین چیزهایی در خدانشناسان وجود داشته باشند و اغلب، کار به جایی نمی رسانند. در بسیاری از موارد، آنها همچون مه صبحگاهی و شبی که از بین می رود، دوامی ندارند. یک دعای واقعی و مشتاقانه که از روحی شکسته و توبه کار برمی آید، ارزش همه این چیزها را دارد.

می دانم روح القدس که گناهکاران را به دوری از راههای گناه آلودشان فرا می خواند، در بسیاری از موارد آنها را با روندی بسیار کند به سوی آشنایی با مسیح هدایت می نماید. اما چشم انسان فقط بر اساس آنچه می بیند قضاوت می کند. من شخصاً نمی توانم کسی را عادل شده بخوانم مگر اینکه او ایمان بیاورد. البته جرأت نمی کنم بگویم او ایمان آورده، مگر اینکه وی دعا کند. نمی توانم ایمان عاری از سخن را درک کنم. به عقیده من، اولین عمل ایمان صحبت کردن با خدا است. ایمان برای روح انسان به منزله جان برای بدن است. نقش دعا در ایمان، همانند نقش تنفس در حیات فرد است. اینکه انسان بتواند بدون نفس کشیدن زنده بماند، فراتر از درک من است. به همین ترتیب، نمی توانم درک کنم شخص بتواند ایمان بیاورد ولی دعا نکند.

بنابراین، اگر می شنوید که خادمین انجیل به اهمیت دعا زیاد می پردازند، تعجب نکنید. این همان موضوعی است که می خواهیم توجه شما را به آن جلب کنیم. می خواهیم مطمئن شویم که شما دعا می کنید. ممکن است

دیدگاههای شما در خصوص این آموزه درست باشند. شاید علاقه شما به پروتستانیسم شدید و به دور از خطا است، اما هنوز نمی‌تواند چیزی بیش از دانش ذهنی و روحیه‌ای فرقه‌ای باشد. می‌خواهیم بدانیم آیا حقیقتاً با تخت فیض آشنا هستید و اینکه آیا می‌توانید همانطور که درباره خدا صحبت می‌کنید با او حرف بزنید یا خیر.

آیا مایلید به این موضوع پی ببرید که ایمان‌داری واقعی هستید یا خیر؟ پس مطمئن باشید که سؤال من از اهمیت بسزایی برخوردار است - آیا دعا می‌کنید؟

سوالات آموزشی درس دوم

لطفاً، ابتدا متن فصل دوم را بخوانید.

آنان که دعا می‌کنند

۱. الف - همه فرزندان خدا از چه جهت شبیه هم هستند؟
 - ب - به زبان خودتان بنویسید نکته اصلی لوقا ۱۸: ۱ - ۷ (خصوصاً آیه ۷) چیست؟
 - ج - آیا شما این کار را انجام می‌دهید؟ اگر خیر، چرا؟
۲. الف - کدام سه گروه یا نوع مختلف از افراد به عنوان «آنان که دعا می‌کنند» در پاراگراف‌های مختلف این بخش ذکر شده‌اند؟
 - ب - آیا مشاهدات مربوط به این گروه‌ها برای شما مهم هستند؟ چرا؟ اگر خیر، چرا؟

دعا نکردن

۳. ”دعا نکردن گواهی روشن بر این است که شخص هنوز یک مسیحی واقعی نیست.“

الف- اگر دعا نمی‌کنید، چه کارهایی می‌توانید انجام دهید و چه کارهایی نمی‌توانید انجام دهید؟

ب- کدام یک از این موارد مشخصه شما نیست؟

گواه حقیقی

۴. ارتباط بین عادل شمرده شدن، ایمان داشتن و دعا چیست؟

[«عادل شدن» حالتی است که در آن از طریق بخشیده شدن گناهانتان از راه ایمان به مسیح با خدا صلح داده می‌شوید. جوهره انجیل همین است. عیسی مسیح گناهان فرزندان خود را بر خویش گرفت تا در عوض، بتواند عدالت خود را به آنها بدهد. او این کار را بر صلیب انجام داد، جایی که وی در آن مُرد تا جریمه گناهان ایشان را پردازد.]

۵. ارتباط بین دعا و ایمان چیست؟

۶. قسمت‌های کتاب مقدسی زیر با موضوع فصل دوم یعنی «عادت دعا- نشانه یک مسیحی واقعی» مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً، هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- افسسیان ۶: ۱۸

ب- فیلیپیان ۴: ۶- ۷

ج- کولسیان ۴: ۲

۳. دعا - وظیفه‌ای که بسیار مورد غفلت واقع شده

بعضی‌ها هیچ‌وقت دعا نمی‌کنند

به این خاطر از شما می‌پرسم آیا دعا می‌کنید یا خیر، چون هیچ وظیفه مذهبی‌ای به اندازه دعای شخصی مورد غفلت واقع نشده است.

در ایامی زندگی می‌کنیم که مذهب بیش از پیش حالت حرفه‌ای به خود گرفته است. در حال حاضر، بیشتر از هر زمان دیگری بر تعداد مکانهای پرستش عمومی افزوده شده و تعداد افرادی که در این پرستشها شرکت می‌کنند خیلی زیادتر از قبل شده است. با این وجود و علیرغم این همه جلوه‌های مذهب عمومی، من بر این باورم که دعای شخصی به شکل گسترده‌ای مورد غفلت واقع می‌گردد. دعای شخصی یکی از آن معاملات خصوصی بین خدا و روحهای ما است که هیچ چشمی آن را نمی‌بیند و به همین خاطر، انسان وسوسه می‌شود آن را نادیده بگیرد و انجام نشده رهایش کند. من معتقدم هزاران مسیحی هستند که اصلاً یک کلمه هم دعا نمی‌کنند. آنها غذا می‌خورند، می‌نوشند، می‌خوابند، بیدار می‌شوند، به سرکارهای خود

می‌روند و به خانه‌های خویش بازمی‌گردند، با هوای خدا نفس می‌کشند، خورشید او را می‌بینند، بر روی زمین خدا راه می‌روند، از رحمت‌های او برخوردار می‌گردند، بدنهایی دارند که روزی خواهند مرد و این افراد داوری و ابدیت را در پیش رو دارند، اما هیچ وقت با خدا صحبت نمی‌کنند. آنها مثل وحوشی زندگی می‌کنند که از بین خواهند رفت. آنها همانند موجوداتی بی‌روح رفتار می‌نمایند. این افراد به کسی که زندگیشان، هر نفسشان و همه چیزشان در دستان اوست و از دهان وی حکم ابدیت خود را دریافت خواهند نمود، حتی یک کلمه برای گفتن ندارند. این موضوع هراس‌انگیز به نظر می‌رسد، ولی اگر قرار بود اسرار انسانها فاش شوند، معلوم می‌شد این موضوع تا چه اندازه شایع است.

بعضی‌ها فقط شکل دعا را به کار می‌برند

من بر این باورم که دهها هزار مسیحی هستند که «دعاهایشان چیزی جز یک شکل دعا نیست»، یعنی مجموعه کلماتی که طوطی‌وار و بدون اینکه در مورد معنی آنها فکر شود تکرار می‌گردند. بعضی‌ها با عجله چند جمله‌ای را که در زمان کودکی در مهد کودک یاد گرفته‌اند، به زبان می‌آورند. بعضی‌ها به تکرار اعتقادنامهٔ کلیسایی رضایت می‌دهند و فراموش می‌کنند که در این اعتقادنامه هیچ درخواستی وجود ندارد و بعضی‌ها دعای ربّانی را بدون کمترین تمایل به اینکه درخواستهای جدّی آن اجابت شوند، به تکرار اعتقادنامه اضافه می‌نمایند.

بسیاری از افراد، حتی آنانی که از شکل‌های خوب دعا استفاده می‌کنند، دعاهای خود را بعد از رفتن به تخت‌خواب یا هنگام شستشوی دست و رو یا لباس پوشیدن در صبح زیر لب زمزمه می‌کنند. ممکن است هر طوری که دلشان می‌خواهد فکر کنند، اما باید بدانند که از نظر خدا این دعا نیست. کلماتی که بدون احساس بیان می‌شوند، همانند ضرباتی که بت‌پرستان

بیچاره در مقابل بتهای خود بر طلبهای خویش می‌زنند، برای روحهای ما کاملاً بی‌فایده‌اند. صحبتی که با احساس همراه نباشد، حتی اگر لب و زبان در کار باشند، چیزی نخواهد بود که خدا به آن گوش بدهد و نمی‌توان آن را دعا نامید. شک ندارم که سولس پیش از ملاقاتی که در راه دمشق با خداوند داشت، دعاهای زیادی می‌کرد. اما وقتی قلبش شکست، زمانی بود که خداوند دربارهٔ او گفت: "... دعا می‌کند".

آیا این موضوع باعث تعجب شما می‌شود؟ به حرفهایم گوش دهید و من به شما نشان خواهم داد که آنچه می‌گویم بی‌دلیل نیست. آیا فکر می‌کنید ادعاهای من افراطی و بدون پشتوانه هستند؟ به حرفهایم توجه کنید و خیلی زود به شما نشان خواهم داد که آنچه می‌گویم عین حقیقت است.

چرا مردم دعا نمی‌کنند

آیا فراموش کرده‌اید که دعا کردن برای افراد «امری عادی» نیست؟ «تفکر جسم دشمنی با خدا است.» خواستهٔ دل انسان این است که از خدا دور شود و کاری با او نداشته باشد. احساسی که وی نسبت به خدا دارد، نه محبت، بلکه ترس است. بنابراین، وقتی انسان به هیچ وجه احساس گناه نمی‌کند، هیچ احساس واقعی‌ای در رابطه با نیازهای روحانی خویش ندارد، هیچ باوری به امور نادیده ندارد و به قدوسیت و بهشت علاقمند نیست، چرا باید دعا کند؟ در واقع، اکثر مردم در رابطه با این چیزها نه اطلاعی دارند و نه احساسی. عدهٔ بسیاری از انسانها در حال گذر از راه فراخ هستند. من نمی‌توانم این موضوع را فراموش کنم و به همین خاطر، با جسارت می‌گویم که معتقدم عدهٔ بسیار اندکی از افراد هستند که دعا می‌کنند.

آیا فراموش کرده‌اید که دعا کردن کاری «مد روز» نیست؟ این کار یکی از اموری است که خیلی‌ها به خاطر انجام آن شرمنده می‌شوند. صدها نفر هستند که به جای آن که بخواهند علناً اقرار کنند عادت به دعا کردن دارند،

خیلی زود روی بر می‌تابند یا امیدی بی‌حاصل در پیش می‌گیرند. هزاران نفر هستند که اگر مجبور شوند در یک اتاق با یک غریبه بخوابند، در تخت‌خواب دراز می‌کشند بدون آنکه دعا کنند. اینکه خوب لباس بپوشید، به سینما (یا تئاتر) بروید، فردی باهوش و خوب تلقی شوید، همه اینها کارهایی مد روز هستند، اما اهل دعا بودن چنین نیست. من نمی‌توانم این را فراموش کنم. نمی‌توانم فکر کنم عادت‌هایی که خیلی‌ها از داشتن آن خجالت می‌کشند، تا این حد مشترک باشد. به همین خاطر، معتقدم عده بسیار کمی هستند که دعا می‌کنند.

آیا «سبک زندگی خیلی از افراد» را فراموش کرده‌اید؟ آیا می‌توان واقعاً باور کرد که آنها شب و روز علیه گناه دعا می‌کنند، در حالیکه می‌بینیم در گناه فرو می‌روند؟ آیا می‌توان فرض کرد که آنها در مقابله با روند حاکم بر جهان دعا می‌کنند، در حالیکه جذب تمایلات آن می‌گردند؟ آیا می‌توان به درخواست واقعی از خدا برای خدمت اندیشید، در حالیکه کمترین تمایلی به خدمت کردن به او نشان داده نمی‌شود؟ نه، مثل روز روشن است که اکثر مردم یا از خدا چیزی نمی‌خواهند یا وقتی هم درخواستی می‌کنند «واقعاً منظورشان آنچه می‌گویند نیست» که هر دو حالت در واقع یکی هستند. دعا کردن و مرتکب گناه شدن هرگز با هم در یک قلب جا ندارند، یا دعا گناه را در خود فرو می‌برد یا گناه دعا را خفه می‌کند. نمی‌توانم این موضوع را فراموش کنم. وقتی به زندگی انسانها می‌نگرم، به این یقین می‌رسم که عده بسیار اندکی هستند که دعا می‌کنند.

آیا فراموش کرده‌اید که «خیلی از انسانها چطور می‌میرند»؟ چه بسیار از آنها که با نزدیک شدن زمان مرگشان کاملاً با خدا بیگانه به نظر می‌رسند. نه تنها در کمال تأسف غافل از پیغام انجیل هستند، بلکه شدیداً نیازمند صحبت کردن با او نیز می‌باشند. در تلاشهای این افراد جهت نزدیک شدن به خدا نابرازندگی و شرمساری وحشتناکی به چشم می‌خورد. به نظر می‌آید آنها

روش تازه‌ای را در این خصوص پیش گرفته‌اند. گویی که خواستار معرفی شدن به خدا هستند، انگار که هرگز با وی صحبت نکرده‌اند. به یاد می‌آورم که دربارهٔ خانمی شنیدم که در آخرین لحظات عمر خویش در بستر بیماری شدیداً خواستار ملاقات با یک خادم خدا بود. او می‌خواست خادم خدا با وی دعا کند. آن خادم از زن پرسید دربارهٔ چه چیز باید دعا کند. آن زن نمی‌دانست چه بگوید. او به هیچ وجه قادر نبود حتی یک چیز را نام ببرد که خادم آن را برای روح وی طلب نماید. به نظر می‌رسید همهٔ آنچه او می‌خواست، برخورداری از شکلی از دعای یک خادم خدا بود. می‌توانم این موضوع را کاملاً درک کنم. بسترهای مرگ افراد بزرگترین فاش‌کننده‌های اسرار هستند. نمی‌توانم آنچه را که در مورد بیماران در حال احتضار دیده‌ام از یاد ببرم. همین امر نیز باعث می‌شود به این باور برسیم که عدهٔ کمی هستند که دعا می‌کنند.

من قادر به دیدن درون قلب شما نیستم. من پیشینهٔ خصوصی امور روحانی شما را نمی‌دانم. اما بر اساس آنچه در کتاب مقدس و در دنیا می‌بینم، مطمئن هستم که نمی‌توانم سؤالی ضروری‌تر از آنچه قبلاً طرح کردم از شما بپرسم که آیا دعا می‌کنید؟

سؤالات آموزشی درس سوم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن فصل سوم را بخوانید.

بعضی‌ها هیچ وقت دعا نمی‌کنند

۱. دعا نکردن چه شباهتی به زندگی کردن مثل «حیوانات وحشی» دارد؟

بعضی‌ها فقط شکل دعا را به کار می‌برند

۲. الف - چرا شکل‌های رسمی دعای ظاهری در واقع «دعا نکردن» تلقی

می‌شوند؟

ب- این موضوع وضعیت دعای شما را چگونه توصیف می‌کند؟

چرا مردم دعا نمی‌کنند

۳. چرا دعا کردن کاری عادی برای افراد نیست؟

۴. چرا غیرممکن است بتوان با گناه و امور نفسانی بازی کرد و همزمان قصد دعا با تمام دل نیز داشت؟

۵. الف- آقای رایل دلایل یا شواهد زیر را برای «دعا نکردن» می‌آورد. کدام یک از آنها شرح وضعیت شما هستند؟

- دعا کردن کاری عادی نیست.
- دعا کردن کاری شیک و مد روز نیست.
- بسیاری از افراد جذب خواسته‌های دنیوی می‌شوند.
- هنگام مرگ، بسیاری از انسانها با خدا غریبه به نظر می‌رسند.

ب- شما قصد دارید از چه راههایی در خودتان تغییر ایجاد کنید؟

۶. آیات زیر به موضوع فصل سوم یعنی «دعا- وظیفه‌ای که بسیار مورد غفلت واقع شده» مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- اول سموئیل ۱۲: ۲۳

ب- لوقا ۱۸: ۱

ج- اول تیموتائوس ۲: ۱

۴. دعا موجب تشویق بسیار می شود

خدا آماده است

از این جهت از شما می پرسیم آیا دعا می کنید یا خیر چون دعا عملی مذهبی است که تشویق زیادی به همراه دارد.

اگر انسانها فقط سعی در دعا کردن بنمایند، خدا به نوبه خود همه کارها را برای آسان کردن دعا انجام می دهد. از جانب خدا همه چیز آماده است. هر مخالفتی پیش بینی شده و برای هر مشکلی راهی مهیا گردیده است. کجی ها راست و ناهمواری ها هموار خواهند شد. برای شخصی که دعا نمی کند، جای هیچ بهانه ای باقی نمی ماند.

راهی وجود دارد که از طریق آن هر انسانی هر چقدر هم گناهکار و بی ارزش باشد، می تواند به خدای پدر نزدیک شود. عیسی مسیح با قربانی خود بر روی صلیب راه را باز کرد. دیگر لزومی ندارد گناهکاران از قدوسیت و عدالت خدا بترسند و عقب بکشند. فقط کافی است در نام عیسی خدا را

بخوانند و در خون کفاره کننده عیسی درخواست کنند. بدین ترتیب، خدا را بر تخت فیض خواهند یافت که آماده است آنها را بشنود. نام عیسی مهری است باطل نشدنی بر دعاهایمان. در این نام است که هر انسانی می‌تواند با دلیری به خدا نزدیک شود و با اطمینان از او درخواست نماید. خدا متعهد است که سخنان وی را بشنود. به این موضوع خوب فکر کنید. آیا این خود یک تشویق نیست؟

«مدافع» و «شفیع» ای هست که همیشه منتظر است دعاهای کسانی را که از طریق او به حضور خدا می‌آیند به وی تقدیم نماید. این مدافع عیسی مسیح است. او دعاهای ما را با شفاعت قدرتمند خود در هم می‌آمیزد و این چنین است که دعاهایمان همچون بخوری خوشبو به تخت خدا می‌رسند. اگرچه این دعاها به خودی خود ناچیزند، اما در دستان کاهن اعظم و برادر بزرگتر ما بس مقتدر و پر قدرت هستند. یک حواله بانکی بدون امضا، چیزی جز یک تکه کاغذ بی ارزش نیست. در واقع، این امضا است که به آن ارزش می‌بخشد. دعای فرزند بینوای آدم به خودی خود فاقد قدرت است، اما به محض آنکه به دستان خداوند عیسی تأیید شد، بسیار به کار می‌آید. در شهر روم افسری زندگی می‌کرد که منصوب شده بود تا در منزل خود را به منظور پذیرش هر شهروند رومی که از وی درخواست کمک می‌نمود همیشه باز نگهدارد. به همین صورت، گوشهای خداوند عیسی همواره برای شنیدن فریادهای همه کسانی که طالب فیض و رحمت هستند بازند. گوشهای او دفتر کار وی برای کمک به این افراد می‌باشند. دعاهای این انسانها مایه خشنودی وی‌اند. پس خوب فکر کنید. آیا این خود یک تشویق نیست؟

«روح القدس» همیشه آماده است تا ما را در ضعفهای دعاهایمان کمک کند. در واقع، کمک به ما در تلاشهایمان جهت صحبت کردن با خدا بخشی از دفتر کار خاص او است. لازم نیست ترس اینکه نمی‌دانیم چه

باید گفت ما را محزون و پریشان کند. اگر از روح القدس کمک بخواهیم، او کلمات لازم را به ما می‌دهد. در واقع، دعا‌های قوم خداوند الهام روح او هستند، کار روح القدس که به عنوان روح فیض و تمناً درون ما ساکن است. مطمئناً قوم خدا می‌توانند امیدوار باشند که دعا‌هایشان شنیده می‌شود، چراکه این صرفاً آنها نیستند که دعا می‌کنند بلکه روح القدس است که در آنها درخواست می‌نماید. شما خواننده عزیز به این موضوع فکر کنید. آیا این خود یک تشویق نیست؟

وعده‌ها

به کسانی که دعا می‌کنند، «وعده‌های» بسیار عظیم و گرانبهایی داده شده‌اند. وقتی خداوند عیسی این سخنان را به زبان آورد، چه منظوری داشت: «سؤال کنید که به شما داده خواهد شد، بطلبید که خواهید یافت، بکوبید که برای شما باز کرده خواهد شد. زیرا هر که سؤال کند یابد و کسی که بطلبد خواهد یافت و هر که بکوبد برای او باز کرده خواهد شد» (متی ۷: ۷-۸). «و هر آنچه با ایمان به دعا طلب کنید، خواهید یافت» (متی ۲۱: ۲۲). «و هر چیزی را که به اسم من سؤال کنید به جا خواهم آورد تا پدر در پسر جلال یابد. اگر چیزی به اسم من طلب کنید، من آن را به جا خواهم آورد» (یوحنا ۱۴: ۱۳-۱۴). منظور خداوند از بیان مثل دوستی که در نیمه شب از راه رسید و نیز آن بیوه‌زن مصرّ چه بود (لوقا ۱۱: ۵ و ۱۸: ۱)؟ راجع به این قسمتهای کتاب مقدسی فکر کنید. اگر اینها تشویق به دعا نیستند، کلمات به تنهایی هیچ معنایی ندارند.

مثال‌ها

در کتاب مقدس «مثالهای» شکفت‌انگیزی در مورد قدرت دعا وجود دارند. اینطور به نظر می‌رسد که هیچ کار آنقدر بزرگ، سخت یا دشوار نیست

که دعا قادر به انجام آن نباشد. دعا به چیزهایی دست یافته که غیرممکن و دور از دسترس به نظر می‌آمدند. دعا بر آتش، هوا، زمین و آب ظفر یافته است. این دعا بود که دریای سرخ را باز کرد؛ دعا بود که از صخره آب و از آسمان نان آورد؛ دعا بود که خورشید را در جای خود در آسمان متوقف کرد؛ دعا بود که از آسمان آتش را بر قربانی ایلیا فرود آورد؛ دعا بود که مشورت اَختیوْفَل را به حماقت تبدیل کرد و این دعا بود که سپاه سَنخاریب را مضمحل نمود. مِری ملکهٔ اسکاتلند^۷ چه خوب گفت که ”من از دعاهای جان ناکس^۸ بیشتر از یک سپاه ده هزار نفری می‌ترسم.“ این دعا بود که بیماران را شفا می‌بخشید و مردگان را زنده می‌کرد. این دعا است که موجب نجات جانها می‌گردد. یک ایماندار سالمند به مادر آگوستین^۹ چنین گفت: ”فرزندی که بسیار دعا می‌کند، هرگز هلاک نخواهد شد.“ کاری نیست که دعا، درد کشیدن (در دعا) و ایمان نتواند انجام دهد. برای انسانی که روح فرزندخواندگی را دارد، هیچ چیز غیرممکن به نظر نمی‌رسد. ”اکنون مرا واگذار“ سخن جالب توجهی بود که خدا در زمانی به موسی می‌گوید که او قصد دارد برای فرزندان اسرائیل شفاعت کند. ترجمهٔ کلدانی این جمله چنین می‌گوید: ”دیگر دعا نکن“ (خروج ۳۲: ۱۰). تا وقتی که ابراهیم برای سدوم طلب رحمت کرد، خدا نیز به رحم کردن ادامه داد و تا زمانی که ابراهیم دست از دعا برداشت، او همچنان به رحم کردن ادامه می‌داد. به این موضوع فکر کنید. آیا این خود یک تشویق نیست؟

بنابراین، بیشتر از همهٔ آن چیزهایی که راجع به دعا گفتم چه چیزی می‌تواند انسان را به سوی برداشتن قدمی دیگر در مذهب سوق دهد؟ دیگر برای مهیا ساختن راهی ساده به سوی تخت رحمت و نیز جهت برطرف نمودن

Mary Queen of Scots ۷

John Knox ۸ (۱۵۱۴ - ۱۵۷۲ میلادی): کشیش اهل اسکاتلند و از رهبران جنبش اصلاحات پروتستان که موجب اصلاح کلیسای اسکاتلند شد.

Augustine ۹ (۳۵۴ - ۴۳۰ میلادی): فیلسوف، الهیدان و یکی از بزرگترین متفکرین مسیحی همهٔ اعصار و قرون.

همه موقعیتهای لغزش از سر راه انسان گناهکار چه کار دیگری می‌توان انجام داد؟ مطمئناً اگر چنین دری برای دیوهای جهنم باز می‌شد، از شادی به هوا می‌جهیدند و جهنم را پر از شادی می‌کردند.

اما انسانی که از چنین تشویقهای پرجلالی غفلت می‌ورزد، فکر خود را بالاخره در کجا پنهان خواهد نمود؟ با تمام این اوصاف، راجع به انسانی که بدون دعا می‌میرد، چه می‌توان گفت؟ من نگرانم مبادا شما چنین شخصی باشید. به همین خاطر، جدّاً از شما می‌پرسم، آیا دعا می‌کنید؟

سؤالات آموزشی درس چهارم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن فصل چهارم را بخوانید.

خدا آماده است!

۱. خدا برای نزدیک کردن شما به خودش چه راهی را باز کرده است؟
۲. مدافع شما در حضور خدا کیست و او چگونه برای شما شفاعت می‌نماید؟
۳. روح القدس چگونه ضعفهای شما را در دعا مدد می‌کند؟

وعده‌ها

۴. عکس‌العمل شخص شما به آیات ذکر شده به عنوان وعده‌های خدا به کسانی که دعا می‌کنند چیست (یعنی شما راجع به آنها چه فکر می‌کنید، آنها چه کاربردی در زندگی شما دارند)؟

مثالها

۵. بعضی از مثالهای کتاب مقدسی که در مورد دعا ذکر شده‌اند چه

هستند؟ با استفاده از کشف الآیات ببینید که آیا می‌توانید بعضی از چنین مثالهایی را در کتاب مقدس پیدا کنید؟ اگر می‌توانید، مراجع کتاب مقدسی مربوط به هر مثال را فهرست کنید.

۶. قسمت‌های کتاب مقدسی زیر به موضوع فصل چهارم یعنی «دعا موجب تشویق بسیار می‌شود» مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً، هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- یعقوب ۵: ۱۶ - ۱۸

ب- یوحنا ۱۴: ۱۲ - ۱۴

ج- متی ۷: ۷ - ۱۱

۵. پشتکار در دعا، راز قدوسیت

تفاوت گسترده

از شما می‌پرسم آیا دعا می‌کنید یا خیر، چون پشتکار در دعا راز قدوسیتی چشمگیر است.

بی‌تردید، مسیحیان واقعی تفاوت‌های زیادی با هم دارند. در واقع، بین جلوترین و عقب‌ترین فرد در سپاه خدا فاصله بسیار زیادی وجود دارد.

درست است که همه در یک نبرد می‌جنگند، اما بعضی‌ها حقیقتاً بسیار دلیرانه‌تر از دیگران مبارزه می‌کنند. همه کار خدا را انجام می‌دهند، ولی برخی بسیار بیشتر از سایرین کار می‌کنند. همه آنها در خداوند نور هستند، اما بعضی بسیار بیشتر از دیگران می‌درخشند. همه در یک میدان مسابقه می‌دوند، اما برخی بسیار سریعتر از دیگران جلو می‌زنند. همه یک خداوند و نجات‌دهنده را دوست دارند، ولی بعضی او را بسیار بیشتر از دیگران محبت می‌نمایند. من از هر مسیحی واقعی می‌پرسم آیا واقعاً چنین نیست؟ آیا این امور واقعیت ندارند؟

بعضی‌ها در قوم خدا هستند که به نظر می‌رسد هرگز نمی‌توانند بیشتر

از حالت زمان ایمان آوردن خود پیشرفت کنند. آنها تولد تازه را دارند، اما همه عمر خود نوزاد باقی می‌مانند. همیشه همان تجربه قدیمی را از آنها می‌شنوید. شما یک نوع خاص اشتها به غذای روحانی را همواره در آنها مشاهده می‌نمایید، همان علاقه به هر چیزی در ورای چرخه محدود زندگی‌شان را که ده سال قبل در آنها مشاهده کرده بودید، باز هم می‌بینید. آنها در واقع زائرند، زائرانی مثل جبعونیان عهد عتیق، نان آنها همیشه خشک و کپک زده است، کفشهایشان همیشه کهنه‌اند و لباسهایشان همواره پاره و چاک خورده. این را با غم و اندوه می‌گویم، ولی روی سخن من با هر مسیحی واقعی است و از وی می‌پرسم: آیا این موضوع حقیقت دارد؟

کسان دیگری هم در قوم خدا هستند که به نظر می‌رسد همیشه در حال پیشرفت می‌باشند. آنها همچون چمنی هستند که بعد از باران رشد می‌کند. این اشخاص همانند قوم اسرائیل در مصر کثیر می‌شوند، همانند جدعون به پیش می‌روند و اگرچه گاهی ضعف می‌کنند، ولی ادامه می‌دهند. همواره از فیض به فیض، از ایمان به ایمان و از قوت به قوت افزوده می‌شوند. هر بار آنها را می‌بینید، دل‌هایشان بزرگتر به نظر می‌رسند و قامت روحانی‌شان بلندتر و قوی‌تر می‌شود. به نظر می‌آید که هر سال شاهد امور بیشتری هستند، بیشتر در می‌یابند، بیشتر باور می‌کنند و در مذهب خود بیشتر (مسائل را) احساس و درک می‌کنند. این اشخاص نه تنها با انجام کارهای نیک واقعیت ایمان خویش را ثابت می‌نمایند، بلکه مشتاق این امور نیز هستند. آنها نه تنها کار خود را به خوبی انجام می‌دهند، بلکه از انجام کارهای نیک خسته نمی‌شوند. آنها سعی در انجام کارهای بزرگ دارند و چنین کارهایی را به عمل می‌آورند. وقتی شکست می‌خورند، دوباره تلاش می‌کنند و هنگامی که می‌افتند، زود برمی‌خیزند و در تمام این مدت خود را غلامانی ناچیز و بی‌منفعت می‌دانند و گمان می‌کنند که اصلاً هیچ کاری انجام نداده‌اند. این اشخاص کسانی هستند که مذهب را در چشمان همگان چیزی دوست داشتی و زیبا می‌سازند. آنها تحسین کسانی را که

ایمان نیاورده‌اند برمی‌انگیزند و نظرات ارزشمند متکبران جهان را به خود جلب می‌نمایند.

دیدن و همراهی این افراد و شنیدن از آنها باعث می‌شود احساس خوبی به انسان دست بدهد. وقتی آنها را ملاقات می‌کنید، می‌توانید به این باور برسید که گویی همانند موسی، آنها نیز همین حالا از حضور خدا آمده‌اند. هنگامی که از آنها جدا می‌شوید، گرمی همراهی‌شان را حس می‌کنید، انگار که روحتان در نزدیکی آتش بوده است. می‌دانم که چنین کسانی نادرند. فقط سؤال می‌کنم، آیا تعداد این افراد چندان زیاد نیست؟

دلیل وجود تفاوت

حال، چطور می‌توان تفاوتی را توضیح داد که همین حالا شرح دادم؟ به چه دلیل بعضی از ایمانداران بسیار درخشانتر و مقدس‌تر از سایرین هستند؟ به اعتقاد من، این تفاوت در نوزده مورد از هر بیست مورد، از عادات متفاوت مربوط به دعای شخصی نشأت می‌گیرد. به باور من، آنهایی که قدوسیت چشمگیری ندارند، «کم» دعا می‌کنند و برعکس آنانی که قدوسیت‌شان چشمگیر است، «بیشتر» دعا می‌نمایند.

جرات می‌کنم و نظری را مطرح می‌نمایم که بعضی از خوانندگان از شنیدن آن یکه خواهند خورد. شک ندارم که خیلی‌ها به قدوسیت چشمگیر به عنوان نوعی عطیه خاص می‌نگرند که جز عده‌ای معدود کسی نباید آن را هدف قرار دهد. چنین اشخاصی این قدوسیت را از دور و در کتابها تحسین می‌کنند و وقتی نمونه‌ای ملموس از آن را در نزدیکی خود می‌بینند، به نظرشان زیبا می‌نماید. اما انگار این فکر که چنین قدوسیتی نه تنها برای عده‌ای بسیار معدود، بلکه برای همه قابل دسترسی است، اصلاً به فکرشان هم خطور نمی‌کند. کوتاه سخن اینکه، آنها این نوع قدوسیت را نوعی امتیاز انحصاری اعطا شده به تعداد معدودی از ایمانداران مورد لطف واقع

شده و نه برای همه تلقی می‌نمایند.

حال من معتقدم که این باور، خطرناکترین اشتباه است. به اعتقاد من، عظمت روحانی و طبیعی تا حد زیادی به کاربرد وفادارانه ابزارهای موجود در دسترس بستگی دارد. البته نمی‌گویم که ما حق داریم بخشش معجزه‌آسای عطایای فکری را انتظار داشته باشیم. آنچه می‌خواهم بگویم این است که وقتی انسان به خدا روی می‌آورد، پیشرفت وی به سوی قدوسیت بیشتر مطابق با پشتکار او در استفاده از ابزار تعیین شده توسط خدا صورت می‌پذیرد و با اطمینان تصریح می‌نمایم که ابزار اصلی‌ای که اکثر ایمانداران به وسیله آن در کلیسای مسیح به بزرگی رسیده‌اند، عادت «دعای شخصی با پشتکار» است.

دعا (منبع) قدرت است

به زندگی برجسته‌ترین و بهترین خادمین خدا در کتاب مقدس و خارج از آن نگاهی دقیق بیاندازید. ببینید دربارهٔ موسی، داود، دانیال و پولس چه نوشته شده است. آنچه را که دربارهٔ اصلاحگرانی همچون لوتر^{۱۰} و برادفورد^{۱۱} ثبت شده مورد توجه قرار دهید. ارتباطی را که در وقف و سرسپردگی شخصی وایتفیلد^{۱۲}، سسیل^{۱۳}، ون^{۱۴}، بیکراست^{۱۵} و مچین^{۱۶} وجود داشت مشاهده نمایید و به من بگویید حتی یکی از مقدسین و شهدای خداشناس این ویژگی بسیار برجسته را نداشته و آنوقت مرد (یا زن) دعا بوده است. باور کنید دعا منبع قدرت است.

۱۰ Luther (۱۵۴۶ - ۴۳۸ میلادی): راهب و کشیش آلمانی، استاد الهیات و شخصیت

برجسته نهضت اصلاحات پروتستان

Bradford ۱۱

Whitefield ۱۲

Cecil ۱۳

Venn ۱۴

Bickersteth ۱۵

M^cCheyne ۱۶

دعا موجب فروریزی مداوم و تازه روح می‌گردد. فقط روح القدس است که کار فیض را در قلب انسان آغاز می‌کند. تنها اوست که می‌تواند این کار را پیش برده به نتیجه مطلوب برساند، اما این روح نیکو دوست دارد که از وی درخواست کنیم و آنانی که از او بیشتر استدعا می‌کنند، بیشتر تأثیر کار او را تجربه خواهند کرد.

دعا مطمئن‌ترین چاره در مقابله با شریر و وسوسه مداوم گناهان است. گناهی که در مقابله با آن از صمیم قلب دعا می‌شود، هرگز دوام نخواهد آورد. شریر هرگز بر مایانی که از خداوند می‌خواهیم پیش روی ما باشد، تسلطی نخواهد داشت. اما باید امور خود را تمام و کمال در حضور طیب سماوی بگستریم تا او هر روزه ما را از اعانت روزانه خود بهره‌مند سازد.

سؤالات آموزشی درس پنجم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن فصل پنجم را بخوانید.

تفاوت گسترده

۱. برخی از ویژگیهای کسانی که به نظر می‌رسد در زندگی مسیحی خود پیشرفتی نمی‌کنند چه هستند؟
۲. بعضی از ویژگیهای کسانی که به نظر می‌آید همیشه در زندگی مسیحی خود پیشرفت می‌کنند، چه هستند؟

دلیل وجود تفاوت

۳. دلیل غالب برای وجود این تفاوت را شرح دهید.
۴. سوء تفاهمی را که بعضی از ایمانداران درباره ماهیت قدوسیت دارند، توضیح دهید.

۵. رایل چنین عنوان می‌کند که: "... عظمت روحانی تا حد زیادی به کاربرد وفادارانه «ابزارهای» موجود در دسترس هر شخص بستگی دارد." کلمه «ابزار» اشاره به وسیله‌هایی دارد که خدا از آنها برای رشد ما استفاده می‌کند. بعضی از این ابزارها عبارتند از: شنیدن موعظه کلام، مطالعه شخصی کتاب مقدس، خدمت مسیحی و دعای شخصی.

اگر دعای خصوصی با جدّ و جهد ابزار اصلی‌ای است که خدا از آن برای پیشرفت ما در قدوسیت استفاده می‌کند، پس قدوسیت برای همه ایمانداران قابل دسترسی است و به داشتن استعدادهایی خاص یا عطیه‌ای از خدا بستگی ندارد. اگر شما به طور مرتب و با پشتکار دعا کنید، خدا موجبات رشدتان در قدوسیت را فراهم خواهد ساخت.

الف - پاسخ شما به این در دسترس همه بودن قدوسیت چیست؟

ب - برای ایجاد انضباط دعای شخصی با جدّ و جهد چه تعهدی خواهید داد؟

دعا (منبع) قدرت است

۶. آیا شخصاً برخی از «جنگجویان در دعا» را می‌شناسید؟ درجه قدوسیت آنها چقدر بود؟

۷. «دعا موجب ... فروریختن تازه ... روح می‌شود.» چرا این موضوع مهم است؟

۸. دعا چگونه «مطمئن‌ترین چاره برای مقابله با وسوسه گناه» است؟

۹. خواهشمند است تعهد برای داشتن دعای منظم جهت پری روح القدس و نیز به منظور مقابله با یک عادت گناه‌آلود خاص را که می‌خواهید از بین برود مد نظر قرار دهید.

۱۰. قسمت‌های کتاب مقدسی زیر با موضوع فصل پنجم یعنی «پشتکار در دعا، راز قدوسیت» مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- ارمیا ۲۹: ۱۳

ب- دانیال ۶: ۱۰، ۲۳

۶. دعا و ارتداد

ارتداد واقعاً رخ می دهد

آیا حقیقتاً آرزو دارید در فیض رشد کنید و یک مسیحی وقف شده باشید؟ خاطر جمع باشید که اگر آرزویتان این است، سؤالی مهمتر از این مطرح نخواهد شد که «آیا دعا می کنید؟» می پرسم آیا شما دعا می کنید یا خیر، چون «غفلت در امر دعا، علت اصلی ارتداد است.»

معمولاً، پس از هر اقرار ایمان، چیزی به نام عقب گرد کردن در مذهب وجود دارد. ممکن است افراد، درست مثل غلاطیان، در یک فصل از ایمان خوب پیش بروند و سپس، به سوی معلمین کاذب گرایش پیدا کنند. شاید وقتی غرق در احساسات هستند با صدای بلند اقرار به ایمان نمایند، درست همانطور که پطرس این کار را کرد و بعد در ساعت آزمایش، خداوند را انکار کنند. ممکن است مثل افسسیان محبت نخستین خود را از دست بدهند. شاید مثل مرقس، آن همراه پولس، اشتیاق شان برای انجام کارهای نیک از بین برود. ممکن است مثل دیماس برای دوره ای از یک رسول متابعت کنند و سپس به کار دنیا برگردند. انسانها ممکن است همه این کارها را انجام دهند.

اینکه فردی مرتد باشیم مایهٔ بدبختی است و به گمان من، از همهٔ مصیبت‌هایی که می‌تواند بر انسان واقع شوند بدتر است. یک کشتی به گل نشسته، عقاب بال شکسته، باغی پر از علفهای هرز، چنگ بدون تار و کلیسایی خرابه همه مناظری غم‌انگیز هستند، اما فرد مرتد منظره‌ای به مراتب اندوه‌بارتر است. وجدان مجروح، ذهنی از خود بیزار، حافظه‌ای پر از سرزنش خویشتن، قلبی که تیرهای خداوند آن را شکافته‌اند و روح شکستهٔ سنگین از بار اتهام درون، همگی رنگ و بوی جهنم را دارند. در واقع، این موارد تجربه‌ای از جهنم بر روی زمین هستند. حقیقتاً که این گفتهٔ سلیمان بس جدی و سنجیده است: «کسی که در دل خود مرتد است از راههای خود سیر می‌شود» (امثال ۱۴: ۱۴).

علت ارتداد

اما دلیل وقوع اکثر ارتدادها چیست؟ به عنوان یک اصل کلی، بر این باورم که یکی از علل اصلی این امر، غافل شدن از دعاهای شخصی است. البته، تاریخچهٔ مرموز سقوط بشر تا روز آخر مشخص نخواهد گردید. اینجانب به عنوان یک خادم مسیح و شاگردی مشتاق، فقط می‌توانم نظر خود را بدهم و نظر من که آن را مشخصاً تکرار می‌کنم این است که عموماً ارتداد ابتدا با «غفلت از دعای شخصی» شروع می‌شود.

خواندن بدون دعای کتاب مقدس، شنیدن موعظه بدون دعا، عقدهای ازدواج بدون دعا، رفتن به سفر بدون دعا، انتخاب محل سکونت بدون دعا، شکل‌گیری دوستی‌ها بدون دعا، عجله کردن در دعای شخصی روزانه یا از دل دعا نکردن، همگی مواردی از گامهای رو به سقوطی هستند که در اثر آنها بسیاری از مسیحیان به نوعی وضعیت فلج روحانی افول می‌کنند و یا به نقطه‌ای می‌رسند که در آن، خدا اجازه می‌دهد به شدت سقوط کنند. این فرایندی است که لوطهای معلل، شمشونهای بی‌ثبات، سلیمان‌هایی

که زنانشان بت آنها هستند، آساهای ناسازگار، یهوشافاطهای انعطاف‌پذیر و مرتاهای بیش از حد محتاطی را به وجود می‌آورد که بسیاری از آنها را می‌توان در کلیساهای مسیح یافت. در اغلب مواقع، تاریخچه ساده چنین مواردی این است که آنها «درباره دعای شخصی بی‌دقت شدند».

ارتداد در ابتدا پنهان است

ممکن است در این خصوص که انسانها خیلی پیش‌تر از آنکه آشکارا سقوط کنند، در خلوت سقوط کرده‌اند، بسیار مطمئن باشید. آنها مدتها قبل از آنکه در نظر مردمان دنیا مرتد گردند، بر زانوهایشان مرتد می‌شوند. آنها همانند پطرس ابتدا به هشدار خداوند مبنی بر مراقب بودن و دعا کردن بی‌توجهی می‌کنند و سپس، مثل او قوت خویش را از دست می‌دهند و در ساعت وسوسه، خداوند خود را انکار می‌کنند.

اینجاست که دنیا متوجه سقوط آنها می‌شود و با صدای بلند تمسخرشان می‌کند. اما مردم دنیا درباره دلیل واقعی این امر هیچ نمی‌دانند. در مقطعی از تاریخ، بت پرستان موفق شدند از طریق تهدید یک مسیحی شناخته شده با مجازاتی به مراتب بدتر از مرگ، وی را وادار به سوزاندن بخور برای یک بت کنند. سپس، با مشاهده بزدلی و ارتداد او پیروزی بیشتری بدست آوردند. اما بت پرستان از واقعیتی که تاریخ ما را از آن مطلع می‌سازد بی‌خبر بودند که در صبح همان روز، او اتاق خواب خویش را با عجله و بدون تمام کردن دعای روزانه خود ترک کرد.

اگر شما واقعاً مسیحی هستید، مطمئنم که هرگز مرتد نخواهید بود. اما از سوی دیگر، اگر نمی‌خواهید یک مسیحی مرتد باشید، سؤالی را که می‌پرسم به خاطر داشته باشید که آیا دعا می‌کنید؟

سؤالات آموزشی درس ششم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن فصل ششم را بخوانید.

ارتداد واقعاً رخ می‌دهد

۱. برخی از شواهد «ارتداد» چه هستند؟

۲. الف- بعضی از عواقب شخصی مرتد بودن را فهرست کنید.

ب- چرا عنوان «جهنم روی زمین» به این عواقب اطلاق گردیده است؟

توجه: نویسنده کتاب از اصطلاح «مرتد» جهت کاربرد آن در هر لحظه‌ای استفاده می‌نماید که به مشکلات خود نگاه می‌کنیم و شادی در خداوند را از دست می‌دهیم. ما در دنیای مدرن امروزی، «نگاه کردن به مشکلات» را بدون اطلاق نام ارتداد بر آن، موقتاً می‌پذیریم. در روزگار ما، «ارتداد» بیشتر به الگوهای عادی دراز مدت گمراه شدن از طریق خداوند اشاره دارد.

علت ارتداد

۳. الف- بعضی از مثالهای ارائه شده از زندگی روزمره که به عنوان «گامهای افول» رو به ارتداد توصیف شده‌اند چه هستند؟

ب- شما تا چه اندازه گامهایی از این دست برمی‌دارید؟

۴. علت اصلی ارتداد چیست؟

ارتداد در ابتدا امری پنهان است

۵. الف- آیا قسمت‌های پنهانی از زندگی شما هستند که هیچ کس از آنها خبر ندارد، اما در حقیقت دارند بذر ارتداد را در (دل) شما می‌پاشند؟

ب- اگر چنین است، قصد دارید چه تغییراتی را در خود ایجاد کنید؟

۶. قسمت‌های کتاب مقدسی زیر با موضوع فصل ششم مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً، هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- اشعیا ۱: ۹- ۱۸

ب- مزمور ۶۶: ۱۸

ج- امثال ۱۵: ۸

د- ارمیا ۳: ۱۲- ۱۴

۷. دعا و قناعت

فراوانی اندوه

و در آخر نیز می‌پرسم آیا دعا می‌کنید یا خیر چون دعا یکی از بهترین راههای خوشبختی و قناعت است.

ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که اندوه در آن موج می‌زند. البته از زمانی که گناه وارد جهان شد، وضع همیشه به این منوال بوده است. جایی نیست که در آن، گناه بدون غم بوده باشد و تا زمانی که گناه از جهان بیرون انداخته نشود، اینکه انسانها گمان کنند می‌توانند از اندوه بگریزند، کاری بیهوده خواهد بود.

بدون شک سهم اندوه بعضی‌ها نسبت به دیگران بیشتر است. اما اندک اشخاصی را می‌توان یافت که بدون اندوه یا نگرانی عمری دراز می‌کنند. بدنها، داراییهای ما، خانواده‌هایمان، فرزندانمان، روابط ما، خدمتکارانمان، دوستانمان، همسایگانمان و وظایف ما در این دنیا همه و هر کدام خود سرچشمه نگرانی هستند. بیماریها، مرگ، خسرانها، ناامیدیها، وداعها، جداییها، قدرشناسیها و افتراها همه مسائلی مشترک در بین انسانها به

شمار می‌روند. ما نمی‌توانیم بدون گذر از اینها عمر خویش را به سر بریم. بالاخره، روزی خواهد رسید که سراغ ما نیز خواهند آمد. در واقع، هر چقدر علائق ما بیشتر باشند، مصیبت‌های مان بیشتر خواهند بود و هر چقدر بیشتر دیگران را دوست داشته باشیم، بیشتر خواهیم گریست.

پاسخ به اندوه

و بهترین راه شاد بودن در چنین دنیایی چیست؟ چگونه باید از این دره اشکها بدون کمترین درد گذشت؟ من راه بهتری جز تمرین منظم و همیشگی «بردن همه چیز به حضور خدا در دعا» سراغ ندارم.

این نصیحت ساده‌ای است که کتاب مقدس در عهد عتیق و جدید می‌دهد. نویسندهٔ مزامیر چه می‌گوید؟ «پس در روز تنگی خود مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی» (مزمور ۵۰: ۱۵). «نصیب خود را به خداوند بسپار و تو را رزق خواهد داد. او تا به ابد نخواهد گذاشت که مرد عادل جنبش خورد» (مزمور ۵۵: ۲۲). پولس رسول در این باره چه می‌گوید؟ «برای هیچ چیز اندیشه مکنید، بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسئولات خود را به خدا عرض کنید و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت» (فیلیپیان ۴: ۶ - ۷). یعقوب رسول چه می‌گوید: «اگر کسی از شما مبتلای بلایی باشد، دعا بنماید...» (یعقوب ۵: ۱۳).

این کاری است که همهٔ مقدسینی که تاریخچهٔ آنها را در کتاب مقدس ثبت شده داریم، به عمل می‌آوردند. این همان کاری است که یعقوب از ترس برادرش عیسو کرد. این کاری است که موسی در زمانی انجام داد که قوم می‌خواستند او را در بیابان سنگسار کنند. این همان کاری است که یوشع در هنگام شکست قوم اسرائیل از مردان عای کرد. این همان کاری است که وقتی پطرس به زندان افتاد، کلیسا انجام داد و این همان کاری است

که پولس هنگامی که در سیاهچالی در شهر فیلیپی انداخته شد، به عمل آورد.

دوست ما عیسی

تنها راهی که به وسیله آن می‌توان در چنین دنیایی واقعاً خوشحال بود، این است که همه اندیشه‌های خود را به او بسپاریم. در واقع، اینکه ایمانداران سعی دارند بارهایشان را خود حمل کنند همان چیزی است که اغلب باعث اندوه آنها می‌گردد. اگر مشکلات خود را به خدا بگویند، او قدرت تحمل آنها را به آسانی کاری که شمشون با دروازه‌های شهر غزه کرد خواهد بخشید. اگر مصمم هستند مشکلات خود را برای خودشان نگهدارند، روزی خواهند دریافت که طاقت تحمل سبکترین بارها را نیز نخواهند داشت.

دوستی هست که همیشه انتظار کمک کردن به ما را می‌کشد، البته اگر درباره اندوه خود با او درد دل کنیم؛ دوستی که بر زمین بود و بر فقرا، بیماران و افراد اندوهگین شفقت می‌کرد؛ دوستی که دل آدمی را می‌شناسد چرا که سی و سه سال به عنوان یک انسان در بین ما زندگی کرد؛ دوستی که می‌تواند با ماتمیان اشک بریزد، چون او صاحب غمها و با اندوه آشنا بود؛ دوستی که قادر است کمکمان کند چون دردی در این جهان وجود نداشت که او نتواند شفایش دهد. آن دوست عیسی مسیح است. راه شاد بودن این است که همیشه دل‌هایمان را برای او باز کنیم. کاش همه ما همچون مسیحی فقیری باشیم که وقتی تهدید یا تنبیه می‌شد تنها جوابی که می‌داد این بود: "باید به خداوند بگویم."

عیسی می‌تواند کسانی را شاد بسازد که علیرغم شرایط خارجی موجود، به وی اعتماد می‌کنند و او را می‌خوانند. او قادر است وقتی که در زندان هستند به آنها آرامش قلبی عطا کند؛ در فقر و نداری موجب خرسندی ایشان شود؛

در بحبوحهٔ سوگواری‌ها تسلی دهد و در آستانهٔ مرگ شادی عطا نماید. در وجود او برای همهٔ آنانی که ایمان دارند، پری عظیمی هست، پری‌ای که آماده است بر هر کسی که در دعا آن را درخواست نماید، فروریزد. ای کاش انسانها درک کنند که شادی به موقعیتهای بیرونی بستگی ندارد، بلکه به وضعیت دل انسان.

نتایج دعا

دعا می‌تواند صلیب‌ها را هر چقدر هم که سنگین باشند برای ما سبک کند. دعا می‌تواند کسی را در کنار ما قرار دهد که به ما در تحمل صلیب‌هایمان کمک خواهد نمود. وقتی به نظر می‌رسد راه ما بسته شده، دعا می‌تواند دری را به روی‌مان بگشاید. دعا می‌تواند کسی را فرود بیاورد که خواهد گفت: ”راه این است، در آن سلوک نما.“ در شرایطی که همهٔ دورنماها تاریک به نظر می‌رسند، دعا می‌تواند پرتو امید را بتاباند. وقتی کسانی که بیش از همه دوستشان داریم از ما گرفته می‌شوند و گویی که دنیا خالی از سکنه شده است، دعا می‌تواند موجب تسلی خاطر ما گردد. دعا می‌تواند کسی را فرود بیاورد که قادر است شکاف موجود بین قلبهای ما و او را پر کند و به امواج درون قلبمان بگوید: ”آرام باشید.“ ای کاش انسانها اینقدر مثل هاجر در بیابان نبودند و می‌توانستند چاه آب زنده را در نزدیکی خود ببینند.

من می‌خواهم شاد باشم. می‌دانم که سؤالی مفیدتر از این نمی‌توانم بپرسم که آیا دعا می‌کنید؟

مطمئنم مسائلی را برای شما مطرح کرده‌ام که به طور جدی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. مشتاقانه به حضور خدا دعا می‌کنم که این مسئله موجب برکت روح شما شود.

سؤالات آموزشی درس هفتم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن فصل هفتم را بخوانید.

فراوانی اندوه

۱. چرا این موضوع که ”هر چقدر بیشتر کسی یا چیزی را دوست داشته باشیم، بیشتر گریه می‌کنیم“ عین واقعیت است؟

پاسخ به اندوه

۲. الف- بهترین راه غلبه بر اندوه چیست؟

ب- تا چه حد این عادت را در خود پرورانده‌اید؟

۳. از بین چهار قسمت کتاب مقدسی فهرست شده، کدام یک برای شخص شما پر معناتر است؟ چرا؟

دوست ما عیسی

۴. الف- دو فعالیت متضاد را که منبع شادی یا غم ما هستند نام ببرید.

ب- کدام یک از این دو فعالیت را اغلب انجام می‌دهید؟ چرا؟

۵. عیسی به چهار طریق به عنوان دوست ما آشکار می‌گردد. آن چهار طریق کدامها هستند؟

۶. الف- شادی به چه چیزی وابسته است؟ و به چه چیزی بستگی ندارد؟

ب- این همان حقیقتی است که زندگی انسان را عوض می‌کند! لطفاً اجازه دهید این حقیقت در فکر و دل شما نفوذ کند! تا چه اندازه به این حقیقت باور دارید؟ تا چه اندازه‌ای واقعاً به آن عمل می‌کنید؟

نتایج دعا

۷. چهار نتیجه مذکور دعا چه هستند و مسیح [که در اینجا به عنوان «آن کس» به وی اشاره شده] چگونه هر کدام از آنها را موجب می‌گردد؟
۸. قسمت‌های کتاب مقدسی زیر با موضوع فصل هفتم مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- اشعیا ۲۶: ۳

ب- متی ۷: ۳۱ - ۳۳

ج- مزمور ۵۵: ۲۲

د- اول پطرس ۵: ۶ - ۷

۸. نصیحتی به کسانی که هنوز نجات نیافته‌اند

هیچ بهانه‌ای وجود ندارد

اجازه دهید حرف آخر را به کسانی بزنم که دعا نمی‌کنند. جرأت نمی‌کنم فرض را بر این قرار دهم که همه کسانی که این صفحات را می‌خوانند اهل دعا هستند. اگر جزء کسانی هستید که دعا نمی‌کنند، اجازه دهید امروز با شما از طرف خدا صحبتی داشته باشم.

ای شمایی که این کتاب را می‌خوانید اما دعا نمی‌کنید، فقط می‌توانم به شما هشدار بدهم، آنهم هشدار بسیار جدی. به شما هشدار می‌دهم که در وضعیت خطرناکی قرار دارید. اگر در وضعیت کنونی خود از دنیا بروید، روحی گم‌شده خواهید بود و رستاخیز شما فقط به این منظور خواهد بود که تا ابد نگویند بخت باشید. به شما هشدار می‌دهم که از بین همه کسانی که خود را مسیحی می‌دانند، به هیچ وجه بهانه‌ای برای خود ندارید. هیچ دلیل خوبی برای داشتن یک زندگی بدون دعا وجود ندارد.

اینکه بگویید «نمی‌دانید چطور دعا کنید» بی‌فایده است. دعا ساده‌ترین کار یک مذهب محسوب می‌گردد و به زبان ساده عبارتست از سخن گفتن با خدا. برای شروع به دعا کردن نه نیازی به یادگیری دارید، نه حکمت و نه دانش‌ای که از خواندن کتاب حاصل شود. دعا به چیزی جز قلب و اراده نیاز ندارد. حتی ضعیف‌ترین نوزاد هم وقتی گرسنه است گریه می‌کند و فقیرترین گدا هم می‌تواند دست خود را برای گرفتن صدقات دراز کند و صبر نمی‌کند تا کلماتی زیبا برای بیان نیاز خود بیابد. حتی نادان‌ترین شخص هم اگر قدرت اندیشه داشته باشد، چیزی برای گفتن به خدا خواهد یافت.

اینکه بگویید «جای مناسبی» برای دعا کردن ندارید، بی‌فایده است. هر کسی اگر بخواهد، می‌تواند یک جای به قدر کافی خلوت بیابد. خداوند ما در بالای کوه دعا می‌کرد، پطرس بر روی پشت بام، اسحاق در یک دشت، نتائیل در زیر درخت انجیر و یونس در شکم نهنگ. هر جایی می‌تواند به اتاق خصوصی، خلوتگاه و بیت‌ئیلی تبدیل شود تا حضور خدا برای ما باشد.

اینکه بگویید «وقت ندارید» بی‌فایده است. اگر انسان از وقت خود استفاده کند، زمان زیادی خواهد داشت. شاید زمان کوتاه باشد، ولی برای دعا همیشه به قدر کافی طولانی هست. دانیال مسئولیت انجام امور یک پادشاهی را بر عهده داشت، با این حال روزی سه بار دعا می‌کرد. داود حکمران امتی عظیم بود و با این حال می‌گوید: «شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله [دعا] می‌کنم» (مزمور ۵۵: ۱۷). وقتی انسان بخواهد، همیشه می‌تواند وقت لازم را پیدا کند.

اینکه بگویید «تا وقتی ایمان و قلبی تازه نداشته باشید نمی‌توانید دعا کنید» بی‌فایده است و هم اینکه باید بی‌حرکت بنشینید و منتظر بدست آوردن ایمان و قلبی تازه بمانید. این یعنی گناه بر گناه افزودن. به مسیح ایمان

نیارودن و به جهنم رفتن به قدر کافی بد است و اینکه بگویید «می دانم ولی برای رحمت خدا ضجّه نخواهم زد» بدتر است. این از آن نوع استدلالاتی است که در کتاب مقدس هیچ توجیهی برایش وجود ندارد. اشعیا نبی می گوید: «مادامی که خداوند نزدیک است او را بخوانید» (اشعیا ۵۵: ۶). هوشع در این باره می گوید: «با خود سخنان گرفته به سوی خداوند بازگشت نمایند...» (هوشع ۱۴: ۲). پطرس خطاب به شمعون جادوگر می گوید: «... توبه کن و از خدا بخواه [دعا کن]...» (اعمال ۸: ۲۲). اگر طالب ایمان و قلبی تازه هستید، بروید و آنها را از خداوند بخواهید. صرفاً تلاش برای دعا کردن، اغلب موجب احیای روحی مرده می گردد.

شما خواننده ای که دعا نمی کنید، که و چه هستید که از خدا چیزی نمی طلبید؟ آیا با مرگ و جهنم عهد بسته اید؟ آیا با عذابهای جهنم هیچ مشکلی ندارید؟ آیا گناهانی ندارید که باید بخشیده شوند؟ آیا از عذاب جاودانی نمی ترسید؟ آیا علاقه ای به بهشت ندارید؟ ای کاش از این نابخردی کنونی خود دست بردارید. ای کاش عاقبت خود را در نظر داشته باشید. ای کاش برخیزید و خدا را بخوانید. افسوس که روزی فراخواهد رسید که در آن بسیاری با صدای بلند دعا خواهند نمود: «خداوندا، خداوندا، در را برای ما باز کن.» اما دیگر برای چنین دعایی خیلی دیر خواهد بود. زمانی که بسیاری فریادکنان از صخره ها خواهند خواست که بر آنها بیفتند و بر تپه ها که ایشان را بپوشانند، اما هرگز نزد خدا فریاد نخواهد کرد. با کمال محبت به شما هشدار می دهم، مراقب باشید مبادا عاقبت روح شما چنین شود. نجات بسیار نزدیک به شما است، پس بهشت را به بهای نطلبیدن آن در دعا از کف ندهید.

آیا مایل به نجات هستید؟

اجازه دهید با کسانی صحبت کنم که حقیقتاً خواهان نجات هستند، اما

نمی‌دانند چه قدم‌هایی را باید برداشت و یا از کجا باید شروع کرد. امیدوارم بعضی از خوانندگان این متن در چنین اندیشه‌ای باشند؛ حتی اگر تنها یک نفر باشد، باید صمیمانه به وی مشورت بدهم.

در هر سفری باید قدم اول را برداشت. باید وضعیت خود را از بی‌حرکت نشستن به حرکت رو به جلو تغییر داد. سفر قوم اسرائیل از مصر به کنعان سفری طولانی و خسته‌کننده بود. چهل سال طول کشید تا آنها به مرحله عبور از رود اردن برسند. با این حال، کسی در آن میان بود که در زمان کوچ قوم از رانه به سکوت اول از همه حرکت کرد. حقیقتاً، انسان چه موقع قدم اول خود را در خارج شدن از سیطره گناه و دنیا برمی‌دارد؟ او این کار را در همان روزی انجام می‌دهد که اولین دعاهای خود را از صمیم قلب می‌کند.

در بنای هر ساختمان باید اولین سنگ را گذاشت و اولین ضربه را زد. ساخت کشتی نوح صد و بیست سال طول کشید. با این وجود، برای شکل دادن آن کشتی، این نوح بود که یک روز تیغه تبر خود را بر تنه اولین درخت قرار داد تا آن را قطع کند. معبد سلیمان، ساختمانی پرشکوه بود ولی برای بنای آن، یک روز اولین سنگ بزرگ بر روی کوه موری‌ا قرار داده شد. بنای روح القدس واقعاً چه موقع در قلب انسان شروع به ظهور خواهد کرد؟ در این خصوص می‌توان تا حدودی قضاوت کرد. این بنا زمانی آغاز می‌شود که انسان قلب خود را در دعا برای خدا باز می‌کند.

چه باید کرد؟

اگر مایل هستید نجات پیدا کنید و می‌خواهید بدانید چه باید کرد، به شما نصیحت می‌کنم همین امروز در اولین مکان خلوتی که می‌توانید پیدا کنید، به حضور خداوند عیسی مسیح بروید و با اشتیاق و ملتسانه در دعا از وی بخواهید روح شما را نجات دهد.

به او بگویید که شنیده‌اید او گناهکاران را می‌پذیرد و گفته است: «... هر که به جانب من آید، او را بیرون نخواهم نمود.» به وی بگویید گناهکاری بددل هستید و محض ایمان به دعوت او به نزدش آمده‌اید. به او بگویید خود را تمام و کمال در دستان وی قرار داده‌اید و اینکه احساس خباثت و استئصال می‌کنید و به خود امیدی ندارید و اینکه انتظار دارید او شما را نجات بدهد و اصلاً هیچ امیدی برای نجات پیدا کردن خودتان ندارید. عاجرانه از وی بخواهید شما را از احساس محکومیت، قدرت و عواقب گناه‌رهایی بخشد، اینکه شما را ببخشد و با خون خود شستشو کند، که به شما قلبی تازه عطا فرماید و نهال روح‌القدس را در روح شما بکارد، که به شما برای شاگرد و خدمتگزار او بودن از امروز تا به ابد فیض، ایمان، اراده و قدرت عطا کند. خواننده عزیز، اگر واقعاً درباره روح خود صادق هستی، همین امروز برو و این چیزها را به خداوند عیسی مسیح بگو.

این چیزها را به روش و به زبان خودتان به او بگویید. اگر زمانی که بیمار هستید دکتر به دیدن شما بیاید، می‌توانید به وی بگویید در کجا احساس درد می‌کنید. اگر حس می‌کنید روحتان واقعاً بیمار است، مطمئناً می‌توانید چیزی برای گفتن به مسیح پیدا کنید.

شک نکنید

شک نکنید که خدا می‌خواهد شما را نجات دهد، چون گناهکار هستید. این خواست مسیح است که گناهکار را نجات دهد. او خود می‌گوید: «نیامده‌ام تا عادلان، بلکه تا عاصیان را به توبه بخوانم» (لوقا ۵: ۳۲).

فقط به این خاطر که احساس می‌کنید لیاقت ندارید، درنگ نکنید. برای هیچ چیز صبر نکنید. منتظر هیچ کس هم نمانید. این انتظار از شریر است. هر طور که هستید، به حضور مسیح بروید. هر چقدر اوضاع شما بدتر باشد، احتیاج بیشتری به وی خواهید داشت. از او درخواست کمک کنید.

هرگز نمی‌توانید با دور ماندن خود را اصلاح نمایید.

از اینکه در دعا تیره پته می‌کنید، کلماتان بی‌حس و حال هستند و دستور زبانتان ضعیف است نترسید. عیسی می‌تواند در کتان کند. همانطور که یک مادر اولین تلفظهای شل کودک خود را می‌فهمد، نجات دهندهٔ متبارک ما نیز (زبان) گناهکاران را می‌فهمد. او می‌تواند هر آهی را بخواند و در هر ناله‌ای، معنی آن را درک کند.

فقط به این خاطر که فوراً جوابی دریافت نمی‌کنید، ناامید نشوید. وقتی دارید صحبت می‌کنید، عیسی به شما گوش می‌دهد و اگر در دادن جواب تأخیر می‌کند، تنها به این دلیل است که حکمتی در کار می‌باشد و اینکه او می‌خواهد اشتیاق شما را امتحان کند. جواب مطمئناً خواهد آمد. حتی اگر تأخیر داشته باشد، برایش منتظر باشید، چون حتماً خواهد آمد.

خوانندهٔ عزیز، اگر مایلید نجات پیدا کنید، نصیحتی را که امروز به شما کردم به خاطر داشته باشید. صادقانه و با اشتیاق در این مورد اقدام کنید که نجات خواهید یافت.

سؤالات آموزشی درس هشتم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن فصل هشتم را بخوانید.

هیچ بهانه‌ای وجود ندارد

۱. ”شما خواننده‌ای که دعا نمی‌کنید... اگر در وضعیت کنونی خود از دنیا بروید، روحی گمشده خواهید بود.“

اگر اذعان می‌کنید مسیح را می‌شناسید، اما دعای شخصی ندارید، آیا از نتیجه‌گیری آقای رایل در خصوص اینکه نجات شما مورد سؤال است متعجب می‌شوید؟ چه پاسخی به این موضوع می‌دهید؟

۲. جواب شخصی که می‌گوید: ”نمی‌دانم چگونه باید دعا کرد“ چیست؟
۳. جواب شخصی که می‌گوید: ”جای مناسبی برای دعا کردن ندارم“ چیست؟
۴. جواب شخصی که می‌گوید: ”برای دعا کردن وقت ندارم“ چیست؟
۵. جواب شخصی که می‌گوید: ”تا وقتی که ایمان و قلبی تازه نداشته باشم نمی‌توانم دعا کنم“ و نیز به کسی که فقط می‌نشیند و منتظر است این چیزها به وی داده شوند چیست؟
۶. ”شما خواننده‌ای که دعا نمی‌کنید... با کمال محبت به شما هشدار می‌دهم که هشیار باشید مبادا عاقبت روح شما چنین گردد. نجات شما بسیار نزدیک است. بهشت را به بهای نطلبیدن آن در دعا از کف ندهید.“
- پاسخ شخصی شما به این گفته و نیز به سؤال آخرین پاراگراف این بخش چیست؟

آیا مایل به نجات هستید؟

۷. الف- انسان چه موقع اولین قدم خود را در بیرون آمدن از گناه و این دنیا برمی‌دارد؟
- ب- بنای روح القدس واقعاً از چه زمان شروع به ظاهر شدن در قلب انسان می‌کند؟

چه باید کرد؟

۸. الف- آیا مایل به نجات هستید؟

ب- اگر مایل به نجات هستید و می‌خواهید بدانید در مرحله بعد چه باید کرد، چه کاری باید انجام دهید؟

ج- آیا این کار را کرده‌اید؟

۹. آنچه را که باید هنگام درخواست از عیسی برای نجات‌مان به او بگوییم خلاصه نمایید.

لطفاً به خاطر داشته باشید نویسنده فقط این سخنان خاص را «پیشنهاد» می‌کند و آنها تنها حکم یک راهنما را دارند. هنگام دعا برای نجات، از کلمات خاص خودتان استفاده نمایید و با قلبی بی‌ریا دعا کنید، زیرا خدا به دل نگاه می‌کند نه به ظاهر (اول سموئیل ۱۶: ۷).

شک نکنید

۱۰. رایل به هر یک از موارد زیر چه جوابی می‌دهد:

الف- «به اشتیاق خدا برای نجات خویش شک نکنید.»

ب- «فقط به این خاطر که احساس بی‌لیاقتی می‌کنید، درنگ نکنید.»

ج- «صرفاً به این خاطر که با لکنت زبان دعا می‌کنید، از دعا کردن نترسید.»

د- «فقط به این خاطر که فوراً جواب دعای خود را دریافت نمی‌کنید، ناامید نشوید.»

ه- «شخصی‌سازی موضوع»: کدامیک از این موارد به شما مربوط می‌شوند و اکنون پاسخ شما چیست؟

۱۱. قسمتهای کتاب مقدسی زیر به موضوع فصل هشتم مرتبط هستند.

مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- اشعیا ۵۵: ۶- ۷

ب- متی ۱۱: ۲۸- ۳۰

ج- یوحنا ۶: ۲۷، ۳۴- ۳۵

۹. مشورتی به مقدّسین - بخش اول

کشمکش

و در آخر، اجازه دهید با کسانی که دعا می‌کنند، سخنی داشته باشم. مطمئن هستم بعضی از کسانی که این جزوه را می‌خوانند به خوبی می‌دانند دعا چیست و روح فرزندخواندگی را دارند. برای همهٔ چنین افرادی مشورت و اندرزی برادرانه دارم. بخوری که در خیمهٔ اجتماع تقدیم می‌کردند، باید به روشی خاص تهیه می‌شد. در واقع، هر نوع بخوری را نمی‌شد تقدیم کرد. پس بیایید این موضوع را به خاطر داشته باشیم و دربارهٔ موضوع و طرز دعاهایمان مراقب باشیم.

ای برادران و خواهران من که دعا می‌کنید، بر اساس آنچه از دل یک فرد مسیحی می‌دانم، می‌توانم بگویم که شما اغلب در دعاهای خود مشکل دارید. تا زمانی که گاهی اوقات بر روی زانوهایتان این کار را به طور کامل انجام ندهید، هرگز نخواهید توانست این سخنان پولس رسول را درک کنید: «وقتی می‌خواهم نیکویی کنم، بدی نزد من حاضر است.» آن وقت می‌توانید سخنان داود را درک کنید که می‌گوید: «مردمان دورو را مکروه

داشته‌ام.» شما می‌توانید با نوایمان بینوایی از قبیله هونتنتا^{۱۷} که اینطور دعا می‌کرد، همدردی کنید: «خداوندا! مرا از همه دشمنانم و مهمتر از همه از آن مرد بد یعنی خود من رهایی ده.» عده معدودی از فرزندان خدا هستند که اغلب فرصت دعا را فرصت منازعه تلقی نمی‌کنند. وقتی شیر بر ما را بر زانو می‌بیند، به طور خاصی بر ما خشم می‌گیرد. با این وجود، معتقدم باید دعاهایی را که برای ما به بهای ایجاد هیچ دردسری تمام نمی‌شوند، مشکوک تلقی کرد. به اعتقاد من، ما درباره خوب بودن دعاهایمان درست قضاوت نمی‌کنیم، چون دعایی که تقریباً از آن راضی نیستیم، خدا را بسیار خشنود می‌سازد. بنابراین، به عنوان یک هم‌مرم شما در نبرد مسیحی اجازه دهید اندرزهایی به شما بدهم. حداقل یک چیز هست که ما درکش می‌کنیم و آن این است که باید دعا کرد. نمی‌توان دست از دعا کردن برداشت. باید ادامه داد.

موقعیت

توصیه می‌کنم به اهمیت «احترام و فروتنی» در دعا توجه داشته باشید. بیایید فراموش نکنیم چه هستیم و اینکه صحبت کردن با خدا چقدر جدی است. بیایید مراقب باشیم با بی‌دقتی و سبکسری به حضور او نرویم. بیایید به خودمان بگوییم: «من روی زمین مقدس ایستاده‌ام. اینجا دست کمی از دروازه بهشت ندارد. اگر واقعاً منظورم آن چیزی نباشد که می‌گویم، دارم ارزش خدا را پایین می‌آورم. اگر بدنهادی را در دل خود جای دهم، خداوند مرا نخواهد شنید.» بیایید سخنان سلیمان را به خاطر بسپاریم که: «با دهان خود تعجیل منما و دلت برای گفتن سخنی به حضور خدا نشتابد، زیرا خدا در آسمان است و تو بر زمین هستی» (جامعه ۵: ۲). وقتی ابراهیم با خدا صحبت کرد، گفت: «من خاک و خاکستر هستم» و وقتی خدا با

۱۷ Hottentot نام قومی که از اوایل قرن یازدهم میلادی تا اواسط قرن هفدهم در بخشهای جنوبی قاره آفریقا زندگی می‌کردند

ایوب سخن گفت، وی جواب داد: «من حقیر هستم.» بیاید ما نیز همین کار را بکنیم.

توصیه می‌کنم به اهمیت «دعای روحانی» توجه داشته باشید. منظورم این است که ما باید همیشه برای کمک مستقیم روح القدس در دعاهایمان سخت تلاش کنیم و مهمتر از همه اینکه می‌باید مراقب اسلوب‌مندی باشیم. هیچ چیزی خیلی روحانی نیست، اما هر چیزی می‌تواند فرم و حالت بخصوصی به خود بگیرد و این امر در مورد دعای شخصی به طور ویژه‌ای واقعیت دارد. ممکن است از روی بی‌خبری عادت استفاده از حتی‌الامکان برازنده‌ترین کلمات و تقدیم عرایض کتاب مقدسی در ما شکل بگیرد و با این حال، این دعا را از حفظ و بدون هیچ احساسی بکنیم و هر روز همین کار را انجام دهیم. می‌خواهم با کمال احتیاط و دقت به این نکته پردازم. می‌دانم برخی چیزها هستند که در زندگی روزمره به آنها نیاز داریم و منطقی نیست که آن چیزها را همیشه با کلماتی مشابه درخواست کنیم. دنیا، شریر و قلبهای ما هر روز مثل روزهای قبل هستند و ما برحسب نیاز، باید هر روزه درخواستهای تکراری خود را مطرح کنیم. اما یک چیز را باید خاطر نشان کرد و آن اینکه ما باید در مورد یک نکته بسیار مراقب باشیم. اگر اسکلت و طرح کلی دعاهایمان بر حسب عادت تقریباً یک فرم باشد، لازم است تمام سعی خود را بکنیم که ظاهر و جوهره دعاهای خود را حتی‌الامکان با کمک روح القدس بیوشانیم و پر کنیم. دعا خواندن از روی یک کتاب در رازگهان عادت است که نمی‌توانم تحسینش کنم. اگر می‌توانیم بدون کتاب راجع به وضعیت بدن خود با پزشکان معالج صحبت کنیم، باید بتوانیم درباره وضعیت روح خویش نیز به خدا بگوییم. من با این موضوع که انسان در دوره بهبود پای شکسته خود از عصا استفاده نماید، مخالفتی ندارم. در واقع، استفاده از عصا بهتر از کلاً راه نرفتن است. اما اگر همه عمر شخص را با عصا بینیم، جای تریک‌گفتی به او نمی‌بینم. مایلم شاهد این باشم که او همینقدر قوی شده که عصاهایش را کنار بگذارد.

تمرین

به شما توصیه می‌کنم به اهمیت این موضوع که دعا را «کار منظم زندگی» خود بسازید توجه داشته باشید. می‌خواهم در باب ارزش اختصاص اوقاتی مشخص از روز به امر دعا کردن مطلبی بگویم. خدا خدای نظم است. اینکه ساعات گذراندن قربانی صبح و عصر در معبد یهود ساعاتی ثابت بودند، کار بی‌معنایی نبود. بی‌نظمی قطعاً یکی از ثمرات گناه است. در این زمینه کسی را ملزم نمی‌کنم. تنها چیزی که می‌گویم این است که برای سلامت روحتان لازم است دعا بخشی از کار شما در طول هر ۲۴ ساعت از عمرتان باشد. همانطور که وقتی را به غذا خوردن، خوابیدن و کار کردن اختصاص می‌دهید، باید وقتی را نیز به دعا اختصاص دهید. انتخاب ساعات و فرصت آن با خود شما است. حداقل اینکه، صبحگاهان قبل از صحبت کردن با مردم دنیا و شامگاهان پس از آنکه کارتان با آنها تمام شد، با خدا حرف بزنید. دعا را نادیده نگیرید. آن را سبک نشمارید. دعا کردن را مثل هر کار دیگری پیشه خود سازید.

توصیه می‌کنم به اهمیت «پشتکار» در دعا توجه داشته باشید. به محض شروع عادت دعا، هرگز از آن دست نکشید. گاهی اوقات قلب شما می‌گوید: «تو دعای خانوادگی‌ات را کرده‌ای، اگر دعای شخصی نکنی چه آسیبی ممکن است به تو برسد؟» بدن شما می‌گوید: «حالت خوب نیست یا خواب آلود هستی، لازم نیست دعا کنی.» گاهی اوقات فکرتان می‌گوید: «امروز باید به قرار مهمی برسی، دعاهایت را کوتاه کن.» اینطور در نظر بگیرید که همه چنین پیشنهادهایی مستقیماً از شیطان هستند. در واقع همه آنها مثل این هستند که کسی بگوید: «بی‌خیال روح خود بشو.» من نمی‌گویم دعا همیشه باید به یک اندازه طول بکشند، ولی می‌گویم اجازه ندهید هیچ بهانه‌ای باعث شود شما دست از دعا کردن بردارید.

پولس رسول گفت: «در دعا مواظب باشید» و «همیشه دعا کنید». او

نگفت ایمانداران باید همیشه بر زانوها در دعا باشند، ولی منظورش این بود که همانند قربانی سوختنی دائمی، باید پیوسته و هر روز در دعا پشتکار داشت. دعا باید همچون زمان بذرپاشی و برداشت باشد که در فصول منظم تابستان و زمستان بی وقفه تکرار می شود؛ باید همچون آتش مذبح باشد که اگرچه همیشه قربانی ها را فرو نبرد، ولی هرگز هم کاملاً خاموش نمی شود. هیچ وقت فراموش نکنید که شما می توانید اوقات دعای صبحگاهان و شامگاهان خود را به وسیله زنجیر بی پایانی از دعاهای مختصر در خلوت به هم بپیوندید. حتی ممکن است در شرکت، هنگام کار و تجارت و یا در خیابان، در سکوت مشغول بالافرستادن پیکهای بالدار کوچک باشید، درست همانطور که نحمیا در حضور اردشیر پادشاه این کار را انجام داد. هرگز زمانی را که به خدا اختصاص داده اید تلف شده تلقی نکنید. ملتی که همه سبب ها را نگاه می دارد، فقط به خاطر یک سال رعایت نکردن این فریضه دچار مشکل اقتصادی نمی گردد. یک مسیحی به خاطر پشتکاری که در دعا دارد، هرگز در درازمدت خود را بازنده نخواهد دید.

طرز نگرش

توصیه می کنم به اهمیت «اشتیاق» در دعا توجه داشته باشید. لازم نیست انسان به منظور اثبات جدیت خود فریاد بزند، جیغ بکشد یا با صدای بلند دعا کند. اما اینکه صمیمی، با اشتیاق و پرشور دعا کنیم و طوری درخواست نماییم که گویی واقعاً به آنچه در حال انجامش هستیم علاقمندیم، کار دلپسندی است. چنین دعایی «دعای مشتاقانه ثمربخش» ای است که «بسیار سودمند» واقع می گردد. این درسی است که با عبارات به کار رفته در کتاب مقدس درباره دعا به ما آموخته می شود و ناله کردن، کوبیدن، کشتی گرفتن، رنج بردن و جد و جهد کردن نام دارد.

این همان درسی است که به وسیله مثالهای کتاب مقدسی به ما یاد داده می شود. یعقوب یکی از همین نمونه ها است. او در فئوئیل به فرشته گفت:

«تا مرا برکت ندهی، تو را رها نکنم» (پیدایش ۳۲: ۲۶). دانیال نمونه‌ای دیگر است. فقط ببینید او چگونه از خدا عاجزانه درخواست می‌کند: «ای خداوند، بشنو! ای خداوند، بیامرز! ای خداوند استماع نموده به عمل آور. ای خدای من به خاطر خودت تأخیر منما» (دانیال ۹: ۱۹). خداوند ما عیسی مسیح نمونه‌ای دیگر است. در خصوص وی اینطور نوشته شده: «و او در ایام بشریت خود، چونکه با فریاد شدید و اشکها نزد او که به رهانیدنش از موت قادر بود، تضرع و دعای بسیار نمود...» (عبرانیان ۵: ۷). افسوس که تضرعات بسیاری از ما هیچ شباهتی به تضرعات او ندارند! در واقع، در مقایسه با تضرعات وی چقدر بی‌روح و ولرم به نظر می‌رسند! خدا حقیقتاً به خیلی از ما می‌گوید: «تو واقعاً آنچه را که برایش دعا می‌کنی، نمی‌خواهی.»

بیاید سعی کنیم این خطا تصحیح شود. بیاید مثل «رحمت» در کتاب «سیاحت مسیحی»^{۱۸} با صدای بلند بر در فیض بکوبیم گویی که اگر صدایمان شنیده نشود، هلاک خواهیم شد. بیاید در ذهنهای خود آرام بگیریم چراکه دعاهای سرد قربانیهای بدون آتش هستند. بیاید داستان سخنور بزرگ، دموستن^{۱۹}، را به خاطر بیاوریم، زمانی که شخصی نزدش آمد و از وی خواست به استعاثه‌اش توجه نماید. هنگامی که آن شخص بدون هرگونه جدیت داستان خود را تعریف می‌کرد، دموستن بی‌توجه صحبت‌هایش را شنید. وقتی آن مرد وضع را اینطور دید، با سراسیمگی نزد وی عجز و لابه کرد که ماجرا واقعیت دارد. سپس، دموستن گفت: «آهان، حالا باورت می‌کنم.»

توصیه می‌کنم به اهمیت «دعا کردن با ایمان» توجه داشته باشید. باید سعی در باور این مسئله داشته باشیم که دعاهایمان شنیده می‌شوند و اینکه اگر برحسب اراده خدا درخواست کنیم، جواب دعاهایمان داده خواهد شد.

۱۸ The Pilgrim's Progress - نوشته جان بنیان

۱۹ Demosthenes: دولتمرد و سخنور یونانی (۳۲۲-۳۸۴ ق.م.)

فرمان ساده‌ خداوند ما عیسی مسیح این است: «... آنچه در عبادت سؤال می‌کنید، یقین بدانید که آن را یافته‌اید و به شما عطا خواهد شد» (مرقس ۱۱: ۲۴). ایمان برای دعا حکم پر را برای یک پیکان دارد: بدون ایمان نمی‌توان به هدف زد. باید عادت درخواست وعده‌های خدا را در دعا‌های خود پرورش دهیم.

باید وعده‌هایی را با خودمان به حضور خدا ببریم و بگوییم: «خداوندا، این کلام تو است که قولش را دادی. پس آنچه را که گفتم، برای ما انجام بده.» این عادت یعقوب، موسی و داود بود. مزبور صدونوزدهم پر از چیزهایی است که «مطابق کلام» درخواست می‌شوند. مهمتر از همه اینکه باید عادت انتظار گرفتن جواب دعا‌هایمان را در خود پرورش دهیم. باید همانند بازرگانی عمل کنیم که کشتی‌های خود را به دریا می‌فرستد. نباید تا وقتی که جوابی بگیریم، راضی شویم. افسوس که نکاتی همچون این مسئله هستند که مسیحیان در مورد آنها کوتاه می‌آیند. کلیسای اورشلیم برای پطرس که در زندان بود بی‌وقفه دعا می‌کرد، اما وقتی جواب دعاها داده شد، به سختی باور کردند (اعمال ۱۲: ۱۵). تریل^{۲۰} نیک گفته است که: «هیچ چیز به اندازه بی‌توجهی در حصول خواسته‌ها در دعا، نشانه سرسری گرفتن این کار نیست.»

توصیه می‌کنم به اهمیت داشتن «جسارت» در دعا توجه داشته باشید. شباهت ناشایستی در دعا‌های برخی از اشخاص وجود دارد که نمی‌توانم تحسین کنم. اما چیزی به نام جسارت مقدس هم هست که بسیار پسندیده و مطلوب است. منظورم جسارتی است که موسی داشت، آن هنگام که از خدا استدعا می‌نماید که قوم اسرائیل را نابود نکند: «چرا مصریان این سخن گویند که ایشان را برای بدی بیرون آورد... پس از شدت خشم خود برگرد...» (خروج ۳۲: ۱۲). منظورم جسارتی است که یوشع در زمانی که فرزندان اسرائیل پیش روی مردان عای شکست خوردند نشان داد و گفت:

«... و تو به اسم بزرگ خود چه خواهی کرد؟» (یوشع ۷: ۹). این همان جسارتی است که لوتر به خاطر داشتن آن، مردی برجسته شد. شخصی که دعای وی را شنید چنین گفت: «در جملاتی که او بیان می‌کرد، عجب روح و اعتمادی وجود داشت. وی با چنان احترامی تمنا می‌کرد که گویی از خدا گدایی می‌کند، ولی این کار را با چنان امید و اطمینانی انجام می‌داد که انگار داشت با یک پدر و دوست مهربان صحبت می‌کرد.» این همان جسارتی است که بروس^{۲۱}، الهیدان بزرگ قرن هفدهم اسکاتلند را از سایرین متمایز می‌ساخت. گفته می‌شود که دعاهایش «همچون پیکانهایی بودند که به قلب آسمان نشانه می‌رفتند.» متأسفانه، در این زمینه نیز می‌گویم که ما قاصر هستیم. ما مزیت‌های یک ایماندار را به قدر کافی درک نمی‌کنیم. ما اغلب آنقدر که می‌توانیم، استدعا نمی‌کنیم که: «خداوندا، آیا ما قوم تو نیستیم؟ آیا نباید برای جلال تو تقدیس شویم؟ آیا برای حرمت تو نیست که باید انجیل اعلام شود؟»

سؤالات آموزشی درس نهم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن این فصل را بخوانید.

کشمکش

۱. چرا اغلب مواقع فکر می‌کنیم دعاهای ما ارزشی ندارند؟

موقعیت

۲. چرا «احترام» و «فروتنی» عوامل مهمی در دعاهای ما هستند؟

۳. الف- منظور از دعای در روح چیست؟

ب- چرا چنین دعایی مهم است؟

۴. چرا باید از دعا‌های سرد و رسمی اجتناب کرد؟

تمرین

۵. چرا در نظر گرفتن دعا «به عنوان یک بخش منظم زندگی» اهمیت دارد؟

۶. الف- سه دلیل رایج سرسری گرفتن دعا که مستقیماً از دشمن ما (شیطان) نشأت می‌گیرند چه هستند؟

ب- کدام یک از این موارد را شخصاً تجربه کرده‌اید؟

۷. پولس رسول چنین گفت: «در دعا مواظب باشید» و «همیشه دعا کنید» (کولسیان ۴: ۲، اول تسالونیکیان ۵: ۱۷).

نگرش

۸. منظور از «اشتیاق» در دعا چیست؟

۹. الف- منظور از دعای «با ایمان» چیست؟

ب- چگونه می‌توانیم در دعا ایمان خود را زیاد کنیم؟

۱۰. مشورتی به مقدّسین - بخش دوم

درخواست کردن

توصیه می‌کنم به اهمیت «کوشا بودن» در دعا توجه داشته باشید. فراموش نمی‌کنم که خداوندمان به ما در مورد الگوی فریسیانی هشدار می‌دهد که از روی تظاهر دعا‌های طولانی می‌کردند و به ما فرمان می‌دهد که هنگام دعا تکرارهای بیهوده نکنیم. اما از سوی دیگر، فراموش نمی‌کنم که او با دعا‌های مستمر و شبانگاهی در حضور خدا نمونه‌ای به جا گذاشت. در هر حال، اینطور برمی‌آید که امروزه در خصوص «بیش از اندازه» دعا کردن دچار اشتباه نمی‌شویم. در عوض، آیا نباید از این امر ترسید که بسیاری از مسیحیان این نسل «خیلی کم» دعا می‌کنند؟ آیا مقدار زمانی که خیلی از آنها رویهم رفته عملاً صرف دعا می‌نمایند، بسیار اندک نیست؟ متأسفانه، نمی‌توان پاسخ راضی‌کننده‌ای به این سؤالات داد. جای تأسف است که نیایشهای خصوصی خیلی‌ها به شکل ناراحت‌کننده‌ای کم و محدود هستند. فقط همینقدر که ثابت کند زنده‌اند و نه بیشتر. واقعا به نظر می‌رسد

این افراد چیز کمی از خدا می‌خواهند؛ گویی که چیز زیادی برای اعتراف کردن، تقاضا نمودن و تشکر و شکرگزاری ندارند. افسوس که کل این کار خطا است. آنچه بسیار رایج شده این است که می‌شنویم ایمانداران راجع به سختی امرار معاش شکایت می‌کنند، بعد به ما می‌گویند آنطور که می‌خواهند در فیض خدا رشد نمی‌نمایند. آیا نباید شک کرد که خیلی‌ها همانقدر فیض نصیبتان می‌شود که درخواست می‌کنند؟ آیا این واقعیت وضع خیلی‌ها نیست که اندک دارند، چون اندک می‌طلبند؟ علت ضعف آنها را باید در دعا‌های کوتاه، مختصر، با عجله، محدود و سرسری‌شان سراغ گرفت. آنها «ندارند از این جهت که نمی‌طلبند». ما در مسیح محدود نیستیم، بلکه در خودمان. خداوند می‌گوید: «دهان خود را باز کن و من آن را پر خواهم ساخت». ولی ما همچون آن پادشاه اسرائیل هستیم که زمین را سه بار (با تیر) زد و سپس دست کشید، در حالیکه باید پنج یا شش بار این کار را انجام می‌داد.

توصیه می‌کنم به اهمیت «پرداختن به جزئیات» توجه داشته باشید. ما نباید به درخواستهای کلی بزرگ قناعت بورزیم. باید در برابر تخت فیض نیازهای خود را مشخصاً بیان کنیم. فقط اعتراف به اینکه گناهکاریم کافی نیست، باید گناهیانی را که وجدانمان ما را به آنها متهم می‌کند نام ببریم. صرفاً درخواست مقدس بودن کافی نیست، باید زمینه‌هایی را که در آنها شدیداً به فیض خدا نیاز داریم نام ببریم. این کافی نیست که به خداوند بگوییم به دردسر افتاده‌ایم. باید مشکل خود را با تمام جزئیات آن توصیف کنیم. این همان کاری است که یعقوب زمانی انجام داد که در ترس برادرش به سر می‌برد. او به خدا گفت که دقیقاً از چه می‌ترسید (پیدایش ۳۲: ۱۱). این همان کاری است که ایلعازر انجام داد وقتی که به جستجوی همسری برای پسر ارباب خود رفت. او برای خدا به دقت توضیح داد که به دنبال چه نوع دختری بود (پیدایش ۲۴: ۱۲) و این همان کاری است که پولس هنگامی که خاری در بدن خود داشت انجام داد. او عاجزانه از خدا التماس

نمود (دوم قرنتیان ۱۲: ۸).

ایمان و اعتماد واقعی همین است. باید باور داشته باشیم هیچ موضوعی آنقدر کوچک نیست که نتوان آن را در حضور خدا نام برد. درباره بیماری که به پزشک معالج خود می‌گوید بیمار است، اما هیچ‌وقت جزئیات امر را توضیح نمی‌دهد چه باید گفت؟ راجع به زنی که به شوهر خود می‌گوید خوشبخت نیست، ولی علت امر را مشخص نمی‌کند چه باید گفت؟ راجع به کودکی که به پدر خود می‌گوید به دردسر افتاده، ولی هیچ توضیح بیشتری نمی‌دهد چه باید گفت؟ مسیح داماد حقیقی روح، طیب واقعی قلب و پدر واقعی قوم خویش است. بیایید با روراست بودن با او در ارتباطمان این احساس خود را به وی نشان دهیم. بیایید هیچ رازی را از او پنهان نکنیم. بیایید همه آنچه را که در دل داریم، به او بگوییم.

به شما توصیه می‌کنم به اهمیت «شفاعت» در دعاهایتان توجه داشته باشید. همه ما ذاتاً خودخواه هستیم و این خودخواهی حتی بعد از ایمان به مسیح نیز با ما می‌ماند. در واقع، این گرایش را در خود داریم که فقط به فکر روح خویش، کشمکشهای روحانی و پیشرفت مذهبی خودمان باشیم و دیگران را فراموش کنیم. در مقابل این گرایش، همه ما نیاز داریم در دعاهایمان مراقب بوده، جد و جهد کنیم و به کمتر از این رضایت ندهیم. باید برای داشتن روحیه‌ای خیرخواهانه همت کرد. باید خویشتن را برای به زبان آوردن نامهای دیگری غیر از اسم خودمان در برابر تخت فیض برانگیزیم. باید سعی کنیم در قلبهای خود همه مردم جهان، بت‌پرستان، یهودیان، مسیحیان کاتولیک، کل جماعت ایمانداران حقیقی، کلیساهای پروتستان، کشوری که در آن زندگی می‌کنیم، جماعتی که به آن تعلق داریم، اهل خانه‌ای که چند صباحی با آنها زندگی می‌کنیم و دوستان و بستگانی را که داریم، به یاد بیاوریم. ما باید برای هر کدام از این گروهها به حضور خدا عاجزانه درخواست نماییم.

این برترین نوع نیکخواهی است. کسی که در دعا‌های خود محبت می‌کند، مرا بیشتر از همه دوست دارد. این کار برای سلامت روح ما مفید است و موجب افزایش همدردی و سعه صدرمان می‌گردد. این کار به نفع کلیسا است. چرخهای ماشین گسترش انجیل به وسیله دعا به حرکت درمی‌آیند. آنان که دعا می‌نمایند همانند موسی در کوه سینا به انجام کار خدا کمک می‌کنند و همانند یوشع در بحبوحه جنگ در دعا می‌جنگند، درست همانطور که مسیح عمل می‌کند. او اسامی قوم خود را به عنوان کاهن اعظم به حضور پدر می‌برد. اوه که چه امتیازی است که شبیه عیسی عمل کنیم! انجام این کار، کمکی واقعی برای خادمین است، اگر قرار باشد جماعتی را انتخاب کنم، ترجیح می‌دهم گروهی از افراد را داشته باشم که اهل دعا هستند.

شکرگزاری

توصیه می‌کنم به اهمیت «شکرگزاری» در دعا توجه نمایید. خیلی خوب می‌دانم که درخواست نمودن از خدا یک چیز است و ستایش کردن وی چیزی دیگر. اما بین دعا و ستایش در کتاب مقدس چنان رابطه نزدیکی را مشاهده می‌کنم که جرأت ندارم دعایی را که در آن شکرگزاری هیچ نقشی ندارد، دعایی واقعی بخوانم. بی‌دلیل نیست که پولس می‌گوید: «... بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسؤلات خود را به خدا عرض کنید» (فیلیپیان ۴: ۶). «در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید» (کولسیان ۴: ۲). این از رحمت خدا است که ما در جهنم نیستیم و امید آسمان را داریم. این از رحمت او است که در سرزمین نور روحانی زندگی می‌کنیم و توسط روح خوانده شده‌ایم و به حال خود رها نگشته‌ایم تا ثمره راههای خویش را درو کنیم. این از رحمت خدا است که هنوز زنده‌ایم و فرصتهایی داریم تا او را به نحوی فعال یا منفعل جلال دهیم. مطمئناً، هر زمان که با خدا صحبت می‌کنیم، باید این افکار اذهان ما را

پر کنند. یقیناً، هیچ‌وقت نباید دهان خود را در دعا بدون متبارک خواندن خدا برای فیض رایگانی که توسط آن زندگی می‌کنیم و برای رحمتی که تا ابدالاباد است باز کنیم.

هرگز قدیس برجسته‌ای نبوده که پر از شکرگزاری نباشد. به ندرت پیش می‌آید که پولس قدیس رساله‌ای بنگارد که آن را با شکرگزاری شروع نکند. مردانی همچون وایتفیلد^{۲۲} در دو قرن گذشته و بیکراست^{۲۳} در زمان ما (قرن نوزدهم) همواره سرشار از شکرگزاری بودند. خواننده عزیز، اگر خواهان این هستیم که در عصر خود افرادی برجسته و درخشان باشیم، باید روحیه ستایش را گرامی بداریم. بیایید کاری کنیم تا دعاهایمان دعاهایی از سر شکرگزاری باشند.

مراقب بودن

توصیه می‌کنم به اهمیت «مراقب بودن» در دعاهایتان توجه داشته باشید. دعا نقطه‌ای از مذهب است که در آن، شما باید بیشتر از هر جای دیگر مراقب باشید. از همین نقطه است که مذهب واقعی آغاز می‌شود، شکوفا می‌گردد و رو به تباہی می‌نهد. کافی است دعاهای یک شخص را برای من بیان کنید و خیلی زود به شما خواهم گفت روح او در چه وضعیتی قرار دارد. دعا نبض روحانی است که توسط آن سلامت روح شخص سنجیده می‌شود. دعا هواسنجی روحانی است. به وسیله دعا است که به پاکی یا پلشتی دل‌هایمان پی می‌بریم. پس بیایید پیوسته مراقب نیایشهای خصوصی خود باشیم. مغز و استخوان مسیحیت عملی ما در دعا است. البته موعظت، کتابها، جزوات و مجامع عمومی و همنشینی با انسانهای خوب همگی به جای خود چیزهای نیکی هستند، اما هرگز غفلت از دعای شخصی را جبران نمی‌کنند. پس، همه مکانها، اجتماع و معاشرینی را که

رابطه شما را با خدا مختل می‌کند و باعث می‌شوند دعاهایتان روند خوبی نداشته باشند، به خوبی مشخص کنید.

باید در دعا «مراقب باشید». به دقت مشاهده کنید کدام یک از دوستان و کارها روح شما را به بهترین شکل در چهارچوبی روحانی قرار می‌دهند و آماده صحبت کردن با خدا می‌کنند. این افراد و کارها را شناسایی کرده، به آنها محکم بچسبید. اگر مراقب دعاهایتان باشید، هیچ مشکل روحانی‌ای برای روح شما پیش نخواهد آمد.

من همه این موارد را به منظور ملاحظه شخصی شما ارائه دادم و این کار را با کمال فروتنی انجام می‌دهم. کسی را نمی‌شناسم که بیشتر از خود من به یادآوری این موارد نیاز داشته باشد. اما معتقدم اینها حقایق خود خدا هستند و می‌خواهم من و همه کسانی که دوستشان دارم، آنها را بیشتر احساس کنیم.

می‌خواهم دوره‌ای را که ما در آن زندگی می‌کنیم، دوره دعا کردن باشد. می‌خواهم مسیحیان عصر ما، مسیحیان اهل دعا باشند. می‌خواهم کلیسا، کلیسای اهل دعا باشد. آرزوی قلبی من در ارسال این جزوه اشاعه روح دعا کردن است. می‌خواهم آنهایی که هرگز دعا نکرده‌اند، برخیزند و خدا را بخوانند و می‌خواهم کسانی که اهل دعا هستند، بدانند که دعاهایشان بی‌نتیجه نخواهند بود.

«می‌باید همیشه دعا کرد.»

– لوقا ۱۸: ۱ –

سؤالات آموزشی درس دهم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن این فصل را بخوانید.

درخواست کردن

۱. داشتن جسارتی خداشناسانه در دعا چه تفاوتی با «آشنایی» نابرازنده دارد؟

۲. الف- منظور از «کوشا بودن» در دعا چیست؟

ب- طولانی‌ترین وقت دعای شما تا به حال چقدر بوده است؟

۳. چرا «توجه به جزئیات» در دعا بسیار مهم است؟

۴. الف- چه مشکلی مانع از «شفاعت کردن» در دعاهای ما می‌شود؟

ب- چگونه می‌توانیم این مشکل را حل کنیم؟

شکرگزاری

۵. باید برای چه چیزهایی در دعاهایمان «شکرگزار» باشیم؟

مراقب بودن

۶. چرا «مراقب بودن» در دعا از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد؟

۷. قسمت‌های کتاب مقدسی زیر با موضوع این درس یعنی «مشورتی به مقدسین» مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف۔ دانیال ۱۰:۱۲

ب۔ افسسیان ۶: ۱۰-۱۳، ۱۸

ج۔ دوم تواریخ ۳۳: ۱۰-۱۳

د۔ تثنیہ ۴: ۲۹

ه۔ اشعیا ۲۶: ۸-۹

بخش دوم: اوقات استراحت

به قلم: ال. آر. شلتون جونیور^{۲۴}

۱۱. دعای شفاعتی - نیاز و ضرورت آن

اوقات استراحت

دعاهای شفاعتی

یکی از شواهد بیداری روحانی و طراوتی نو از حضور خداوند این است که قوم خدا دعا کردن با تضمینی قطعی و مطمئن را مبنی بر این امر شروع کنند که خدا دعاهای شفاعتی آنها را می شنود و جواب می دهد. این امر همیشه در طول اعصار واقعیت داشته که وقتی خدا شروع به ریختن برکات می کرد، نخستین نتیجه این کار، فریاد قوم برای رستگاری روحهای مرده اطرافشان یا همان دعای شفاعتی بود.

ارتباط بین دعا و آسمان و به عبارت دیگر، دعا و هدف خدا برای بنی نوع بشر تنها زمانی به طور کامل درک خواهد شد که به آسمان برسیم،

اما کتاب مقدس بیشتر دربارهٔ دعا و جایگاه آن در عملکرد خدا صحبت می‌کند. اگر همهٔ ما در حضور خدا روراست می‌بودیم، اعتراف می‌کردیم که دعای شفاعتی واقعی چیزی است که اکثر ما درباره‌اش کم می‌دانیم، ولی خدا در خصوص این موضوع بسیار سخن می‌گوید.

اکثر ما اقرار می‌کنیم که شاید قبل از هر وعده غذا یا در زمان معینی از روز «دعا می‌کنیم»، اما کجاست آن شخصی که در دعا برای دیگران شفاعت می‌کند، که خدا از وی برای درخواست برکات برای دیگران در دعاها استفاده می‌نماید؟ شاید در زندگی مسیحی ما اشتیاقی باشد که به وسیلهٔ آن همینقدر دعا می‌کنیم که ما را از پسروی باز می‌دارد و باعث می‌شود بتوانیم موقعیتی را که کسب کرده‌ایم حفظ نماییم، اما هیچ رشد بیشتری در امور روحانی و به شباهت مسیح درآمدن در کار نیست. با این اوصاف، جایگاه دعای شفاعتی در کجا است؟ اگر قرار است تجربه‌ای عظیم از عملکرد قدرت خدا جهت تقدیس خودمان و فرود آوردن برکات حقیقی بر دیگران داشته باشیم، باید دعایی صریح و همراه با پشتکار بکنیم. وقتی کتاب مقدس دربارهٔ شبانه روز ناله و گریه کردن، با عزمی راسخ دعا نمودن و مراقب بودن در دعایی صحبت می‌کند که در اثر پافشاری شنیده خواهد شد، این موضوع را با قدرت به ما می‌آموزد. اگر واقعاً می‌خواهیم شفیع باشیم، باید چنین تجربه‌ای را تا حدودی داشته باشیم.

اشعیا ۶۶: ۸ و لوقا ۱۱

اگر دربارهٔ تشویق دعا چنین وعده‌های سرشار از لطفی نمی‌داشتیم، شاید بهانه‌هایی پیدا می‌کردیم که بیاوریم، اما وعده‌ها و نمونه‌ها در کتاب مقدس بسیارند. اشعیا ۶۶: ۸ به ما می‌گوید: «...زیرا صهیون به مجرد درد زه کشیدن پسران خود را زاید.» منظور از «به مجرد» این است که وقتی من و شما شروع به دعای شفاعتی واقعی می‌کنیم، خدا شروع می‌کند به شنیدن

و جواب دادن به دعا‌های ما. نتیجه‌ی امر، نجات گناهکاران، تهذیب قوم خدا و آوردن ملکوت او به شکلی بی سابقه خواهد بود.

«درد زه کشیدن» لغت کم‌اهمیتی نیست چرا که به معنی انجام کاری بسیار سخت، رنج کشیدن، درد شدید و اندوه می‌باشد و در اکثر مواقع، در ارتباط با دردهای زایمان به کار می‌رود. بنابراین، یکی از دلایل اینکه چرا عده بسیار کمی از مردم کار شفاعت را انجام می‌دهند این است که شفاعت کردن یعنی سخت کار کردن، کاری که برای ما به بهایی تمام خواهد شد و به معنی درد و اندوه شدید نیز می‌باشد. با این وجود، اگر پا به عرصه این کار نمی‌گذاریم، نه برکات خدا را در زندگی خویش خواهیم دید و نه وارد کاری می‌شویم که خدا ما را برای انجام آن در ملکوت خود خوانده است. امروز خدا در جستجوی کسانی است که شفاعت می‌کنند، او به دنبال شخص یا گروهی است که با او وارد میدان شوند و برای جان انسانها دعا کنند.

در لوقا باب ۱۱ چنین می‌خوانیم: «و هنگامی که او [مسیح] در موضعی دعا می‌کرد، چون فارغ شد یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوندا، دعا کردن را به ما تعلیم نما...» (لوقا ۱۱: ۱). عیسی پس از ارائه یک الگوی دعا، آنها را در خصوص دعای شفاعتی راهنمایی کرد و گفت: «کیست از شما که دوستی داشته باشد و نصف شب نزد وی آمده بگوید: ای دوست سه قرص نان به من قرض ده. چونکه یکی از دوستان من از سفر بر من وارد شده و چیزی ندارم که پیش او گذارم. پس او از اندرون در جواب گوید: مرا زحمت مده زیرا که الآن در بسته است و بچه‌های من در رختخواب با من خفته‌اند. نمی‌توانم برخاست تا به تو دهم. به شما می‌گویم هر چند به علت دوستی برنخیزد تا بدو دهد، لیکن به جهت لجاجت خواهد برخاست و هر آنچه حاجت دارد بدو خواهد داد.»

در اینجا خداوند پافشاری در دعا را به ما می‌آموزد. او از کلمه «لجاجت»

در رابطه با دعاهایمان استفاده می‌کند. همانند لغت «درد زه کشیدن» این لغت نیز لغت ساده‌ای نیست، بلکه اصرار، دعا کردن با رویکرد نپذیرفتن شنیدن جواب رد و دعا کردن با نگرشی مصرانه معنی می‌دهد که تا جاری شدن برکت و تا زمانی که دوست، یکی از عزیزان یا حتی دشمن شما برکت را دریافت می‌کند دست بر نمی‌دارد.

در خصوص دعای شفاعتی

در این مثال، چندین مورد هست که در خصوص دعای شفاعتی باید درک کرد. اول اینکه، نیاز مبرمی وجود داشت. شفاعت از همین جا آغاز می‌گردد. دوستی که در نیمه شب از راه رسید. نیاز جسم ما همیشه نابهنگام به سراغ ما می‌آید. آن دوست گرسنه بود و نمی‌توانست نان بخورد. اگر من و شما به درستی دعا کنیم و با خدا وارد کار دعا شویم، باید چشمها و قلبهایمان را به روی نیازهای اطرافیان خود بگشاییم. آنگاه خواهیم دید که نیازها بسیارند و اینکه روحهای گمشده همه جا هستند. روحهای بدون مسیح در تاریکی به سر می‌برند و دارند از گرسنگی هلاک می‌شوند و ما همینقدر نان (روحانی) داریم که آنها را نجات بدهد. شرارت همه جا در اطراف ما موج می‌زند. مواردی همچون بی‌احساس بودن به اصطلاح مسیحیان، نبود روحیهٔ بشارتی و واعظین، معلمین و کارکنان بی‌مسیح. بله، نیاز به مسیح در همه جا به فراوانی وجود دارد.

دوم اینکه، اگر می‌خواهیم به درستی دعا کنیم، باید احساس محبت دلسوزانه به دیگران داشته باشیم. آن دوست مصرّ دوست خسته و گرسنهٔ خود را با دل و جان به منزل راه داد. او با گفتن این که در منزل نان ندارد بهانه نیاورد، بلکه در آن نیمه شب رفت تا برای دوست خود نان بیابد. او استراحت شبانه و راحتی خویش را برای پیدا کردن نان مورد نیاز قربانی کرد. ما باید به این درک برسیم که محبت «نفع خود را طالب نمی‌شود»

(اول قرن‌تین ۱۳: ۵). این در ذات محبت است که به خاطر دیگران از نفع خود بگذرد و خویشتن را فراموش کند. محبت به نیازهای «دیگران» توجه کرده، آنها را نیازهای خود می‌سازد. محبت شادی حقیقی را در زندگی کردن و مردن برای دیگران می‌یابد، درست مثل همان کاری که مسیح انجام داد.

این محبت یک مادر برای پسر گمشده اوست که وی را وامی‌دارد برایش دعا کند. محبت واقعی برای جانها، به روح شفاعت در ما تبدیل می‌شود. محبت واقعی حکم می‌کند که باید دعا کرد! اگر می‌خواهیم از گناه دعای بازدارنده رهایی یابیم، باید برای شفاعت کردن به حدود دل‌های خود وسعت ببخشیم. این که پیوسته برای خودمان در دعا باشیم، به شکست خواهد انجامید؛ در شفاعت برای دیگران است که ایمان و محبت و پشتکار ما برانگیخته می‌شود و قدرت روح‌القدس را خواهیم یافت که ما را برای حرکت در پی قدم‌های خداوند متبارکمان قدرت می‌بخشد.

سوم اینکه، به احساس عجز و ناتوانی در دعای شفاعتی توجه داشته باشید. ممکن است یک مادر راضی باشد جان خود را برای کودک در حال احتضار خود فدا کند و با این حال، نتواند او را نجات دهد. آن دوستی که در نیمه شب از راه رسید، می‌خواست به مهمان خود نان بدهد ولی نانی نداشت. همین احساس عجز و ناتوانی او برای کمک کردن بود که وی را به التماس واداشت: «یکی از دوستان من بر من وارد شده و چیزی ندارم که پیش او گذارم.» همین حس ناتوانی منشأ قدرت است، چرا که ما را به زانو درمی‌آورد تا از تنها کسی که می‌تواند کم‌کمان کند، یعنی خود خداوند جلال، استدعا نماییم.

«... چیزی ندارم که پیش او گذارم.» شاید دانش، راستی و دلی پر از محبت و آمادگی فدا کردن جان برای دوست خود را داشته باشم، ولی نمی‌توانم نان آسمانی را به او بدهم. کاش که این جمله ما را به خود بیاورد که می‌گوید:

«چیزی ندارم.» کاش که ندایش در قلبهایمان طنین انداز شود و ما را به سوی کسی سوق دهد که همه چیز برای جانهای مردمان دارد. همچنان که مردم را با مسیح آشنا می‌کنیم، بیایید خود نیز نزد او برویم و برای رفع نیاز آن مردمان از وی درخواست نماییم. اجازه دهید تکرار کنم که همین حس عجز و ناتوانی در ما، روح شفاعت است.

چهارم اینکه، باید با ایمان دعا کرد! آنچه را که یک شخص ندارد، دیگری می‌تواند فراهم سازد. آن دوست مصرّ دوست ثروتمندی در آن نزدیکی داشت که هم می‌توانست و هم مایل بود به وی نان بدهد. او اطمینان داشت که اگر فقط از وی درخواست می‌کرد، خواسته‌اش را دریافت می‌نمود. همین ایمان او را بر آن داشت تا خانه خود را نیمه شب با این فکر ترک کند که اگر خودش نانی نداشت که به دوستش بدهد، می‌توانست از دیگری درخواست نان نماید. در اثر داشتن این ایمان ساده و مطمئن است که خدا آنچه را که نیاز داریم به ما می‌دهد. هزار و یک وعده و شهادت وجود دارد که ما را به این باور فرامی‌خواند که دعا شنیده می‌شود، که آنچه را که ممکن است خودمان نتوانیم برای آنانی که می‌خواهیم کمکشان کنیم انجام دهیم، می‌توان از طریق دعا انجام داد.

دعاهای ما جواب داده خواهند شد

به عنوان مورد پنجم توجه داشته باشید که پافشاری به نتیجه خواهد رسید! ایمان آن دوست با یک عقب‌نشینی ناگهانی و غیرمنتظره مواجه شد چراکه دوست ثروتمندش از شنیدن سخنان او امتناع ورزید: «... نمی‌توانم برخاست تا به تو دهم.» صاحب دل مهربان به این ناامیدی توجه نکرد و نمی‌توانست آن را بپذیرد. بنابراین، فرد متقاضی برخواش خود اصرار می‌ورزد: «دوست من نیازمند است و تو به فراونی نان داری. من دوست تو هستم.» او جواب رد را قبول نمی‌کند. محبتی که در خانه خود را در نیمه

شب می‌گشاید و سپس در جستجوی کمک بیرون می‌رود، باید پیروز شود. خیلی از اوقات همان کسانی که برایشان دعا می‌کنیم بیشتر در گناه فرو می‌روند، به ضد ما برمی‌خیزند، به ما می‌خندند و تمسخرمان می‌کنند و هیچ توجهی به خدا و مسیح او ندارند. این امر باعث می‌شود در عجب باشیم که پس فایده دعا کردن چیست چون این اشخاص بدتر و بدتر می‌شوند. اما مبارک است مرد یا زنی که در اثر تأخیر، سکوت، به ظاهر جواب رد یا سختدل شدن فرد گناهکار سست نمی‌گردد، بلکه در ایمان و جلال دادن خدا قوی است. چنین ایمانی در صورت لزوم، مصرانه تلاش می‌کند و نمی‌تواند در به میراث بردن برکت ناکام بماند.

به این کلمات نگاه کنید: «به شما می‌گویم... خواهد برخاست و هر آنچه حاجت دارد بدو خواهد داد.» خداوند ما در اینجا بزرگترین دلیل برای دعا کردن را به ما می‌دهد: چون جواب را خواهیم یافت! «و من به شما می‌گویم سؤال کنید که به شما داده خواهد شد. بطلبید که خواهید یافت. بکوبید که برای شما باز کرده خواهد شد. زیرا هر که سؤال کند یابد و هر که بطلبد خواهد یافت و هر که بکوبد برای او باز کرده خواهد شد» (لوقا ۱۱: ۹-۱۰). سؤال کنید و به این کار ادامه دهید، بطلبید و همچنان بکوبید و همچنان به این کار ادامه دهید.

خداوند متبارک، دعا کردن را به ما بیاموز. به ما یاد بده تا خود را فراموش کرده، برای دیگران شفاعت کنیم! فیض خود را برای وارد شدن به عرصه کار شفاعت نزد تو ای خداوند به ما عطا فرما.

سؤالات آموزشی درس یازدهم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن این فصل را بخوانید.

۱. دعای شفاعتی چگونه تعریف می‌شود؟

۲. فقط «دعا کردن» چه تفاوتی با دعای شفاعتی دارد؟

لوقا باب ۱۱

۳. عیسی در لوقا ۱۱: ۵-۸ چه نکات مهمی را درباره «پافشاری» در دعای شفاعتی به ما می‌آموزد؟

در خصوص دعای شفاعتی

۴. پنج نکته‌ای که در خصوص دعای شفاعتی فهرست گردیده و توضیح داده شده‌اند را نام ببرید. لطفاً این نکات را فهرست کنید.

۵. «شخصی‌سازی موضوع»: آیا شخصاً «نیازی درونی و مبرم» برای دعا کردن در خود احساس می‌کنید (نکته اول)؟ اگر بله، چرا و اگر خیر، چرا؟

۶. چرا داشتن «حس عجز و ناتوانی» در دعا (نکته سوم) مهم است؟

۷. چگونه عمل ساده درخواست نمودن از شخصی دیگر نشانگر «ایمان در دعا» (نکته چهارم) است؟

دعاهای ما جواب داده خواهند شد

۸. الف- «پافشاری» به چه معنی است (نکته پنجم)؟

ب- چرا پافشاری بالاخره به نتیجه می‌رسد؟

۹. از لوقا ۹: ۱۱-۱۳ چه می‌آموزیم؟

۱۰. دو بخش تشکیل دهنده دعا چه هستند؟

۱۱. الف- «شخصی‌سازی موضوع»: آیا تا به حال پیش آمده که به خاطر

نگرفتن جواب دعا‌های خود یا با دیدن تداوم بی‌علاقگی یا خصومت کسانی که برای آنها دعا می‌کنید ناامید شوید؟

ب- جواب داده شده به این ناامیدی چیست؟

۱۲. قسمت‌های کتاب مقدسی زیر با موضوع این درس یعنی «دعای شفاعتی: نیاز و ضرورت آن» مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- اول تیموتائوس ۲: ۱

ب- رومیان ۱۵: ۳۰

ج- رومیان ۸: ۲۶ - ۲۷

د- دوم تیموتائوس ۱: ۳

۱۲. خدا ما را به دعا کردن فرامی‌خواند

اوقات استراحت

نبود دعا

به عقیده من، دعا چیزی است که فرزندان خدا در این زمان بیشتر از هر چیز دیگر به آن نیاز دارند چرا که باور دارم «خودداری از دعا» است که مانع از آمدن «اوقات استراحت از حضور خداوند» می‌شود. روح قدوس تضرع محزون شده است و باید بازگشتی حاکی از اعتراف کامل و ترک عادت دعا نکردن صورت بگیرد. باز هم دعای ما باید چنین باشد: «خداوندا، دعا کردن را به من بیاموز، روح تضرع را به من عطا فرما تا در روح دعا کنم و در خدمت شفاعت به کار گرفته شوم.»

بله، دعا نیاز بزرگ امروز است و خداوند قطعاً ما را برای دعا کردن بسیار تشویق کرده است. او می‌گوید: «مرا بخوان و تو را اجابت خواهم نمود و تو را از چیزهای عجیب و مخفی که ندانسته‌ای مخبر خواهم ساخت» (ارمیا ۳۳: ۳). «نصیب خود را به خداوند بسپار و تو را رزق خواهد داد» (مزمور ۵۵: ۲۲). «پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید

بنمایی) (مزمور ۵۰: ۱۵). «خداوند را مادامی که یافت می شود بطلبید و مادامی که نزدیک است او را بخوانید» (اشعیا ۵۵: ۶).

«سؤال کنید که به شما داده خواهد شد، بطلبید که خواهید یافت، بگوئید که برای شما باز کرده خواهد شد» (متی ۷: ۷). «بیدار باشید و دعا کنید تا در آزمایش نیفتید» (مرقس ۱۴: ۳۸). «همیشه دعا کنید» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷). «پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم» (عبرانیان ۴: ۱۶). «به خدا تقرب جوئید تا به شما نزدیکی بنماید» (یعقوب ۴: ۸). «در دعا مواظب باشید» (کولسیان ۴: ۲). «وتمام اندیشه خود را به او واگذارید زیرا که او برای شما فکر می کند» (اول پطرس ۵: ۷).

«می باید همیشه دعا کرد و کاهلی نورزید» (لوقا ۱۸: ۱). «لیکن از نیکوکاری خسته خاطر نشویم زیرا که در موسم آن درو خواهیم کرد» (غلاطیان ۶: ۹). «پایدار و بی تشویش شده، پیوسته در عمل خداوند بیفزایید چون می دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست» (اول قرنتیان ۱۵: ۵۸). «... ما را در مسیح دائماً در موبظ ظفر خود می برد...» (دوم قرنتیان ۲: ۱۴). آیا همه این آیات ما را به شکلی عالی برای دعا کردن و طلبیدن روی خدای زنده ما در مسیح تشویق نمی کنند؟

در مسیح عیسی

دعا همچون قلبی است که برای خدای زنده در مسیح عیسی می تپد. همان خدایی که در را برای دستیابی به تخت فیض می گشاید. همان خدایی که از ما می خواهد بیاییم و تمام اندیشه های خود را به او بسپاریم، زیرا که برای ما فکر می کند. اوست که از ما می خواهد هیچ لحظه ای را در نگرانی سپری نکنیم، بلکه با دعا و تضرع با شکرگزاری درخواستهای خود را به وسیله وی به پدر بگوئیم. اوست که از ما می خواهد از راه جدید و زنده ای بیاییم که برایمان اختصاص داده تا از طریق خون گرانبهای او که جهت آمرزش

گناهان ما ریخته شد، به قدس الاقداس وارد شویم. ما در او کاهن اعظمی داریم که از ضعفهای ما متأثر می‌گردد. او در همه چیز به شباهت برادران خود درآمد تا بدین ترتیب، در امور مربوط به خدا بتواند کاهن اعظمی رحیم و امین باشد و برای گناهان قوم او کفاره کرده آنها را مصالحه دهد. او می‌خواهد ما با شادی به صحنهای او بیاییم چون داریم وارد حضور پادشاه خود می‌شویم. ما به حضور کسی می‌رویم که منتظر است صدایمان را بشنود و رویمان را ببیند و آماده است تا به دعاهایمان جواب دهد. پس بیایید به نزد او برویم!

برای من، بزرگترین امتیاز در جهان خواندن نام خدای زنده‌ام است تا هر آنچه در دل دارم به او بگویم. این یک امتیاز است نه یک وظیفه و نه یوغ بندگی، بلکه امتیاز بزرگی است که بتوانم همه نیازهایم را نزد پاهای او بگذارم و نام وی را برای دیگران بخوانم.

ماهیت و شخصیت خدا

وقتی با توجه به ارمیا ۳۳: ۳ که می‌گوید: «مرا بخوان و تو را اجابت خواهم نمود و تو را از چیزهای عظیم و مخفی که آنها را ندانسته‌ای مخبر خواهم ساخت» به موضوع نگاه می‌کنید، درمی‌یابید که ماهیت خدا در مسیح عیسی اینگونه است که به دعاهای ما جواب می‌دهد. خدای ما خود را در انجیل به عنوان خدای محبت و پر از فیض و راستی آشکار ساخته است. پس چگونه می‌تواند از کمک به آن دسته از مخلوقات خود که با فروتنی و به طریقی که خود او مشخص کرده رو و لطف وی را می‌طلبند امتناع ورزد؟ او نمی‌تواند این کار را انجام دهد چون در کتاب مقدس متوجه می‌شویم که «این در ذات خداست که مرا در مسیح بپذیرد زیرا او ملجا و پناهگاه من است.» این طبیعت اوست که به دعا جواب بدهد و گوش خود را به سوی فریادهای ما متمایل سازد. ای کاش ماهیت دعا و کسی را که در دعا می‌خوانیم درک می‌کردیم! مجبور نیستیم خدا را ترغیب کنیم چرا که او از

بخشیدن مسألت دل‌های ما خشنود می‌شود. او می‌خواهد بدانیم که مایل است خواسته‌های‌مان را به ما عطا کند: «و از این سبب خداوند انتظار می‌کشد تا بر شما رأفت نماید» (اشعیا ۳۰: ۱۸).

در جمله «تو را اجابت خواهم نمود» (ارمیا ۳۳: ۳) می‌بینیم که شخصیت خدا به گونه‌ای است که به دعا جواب می‌دهد چون در رومیان ۸: ۳۲ به ما وعده داده: «او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟» بله، او می‌گوید که در مسیح همه چیز را رایگان به ما می‌بخشد. اینکه چرا دعا نمی‌کنیم، از خدا درخواست نمی‌نماییم و انتظار کارهای بیشتر از او نداریم، چیزی است که هرگز به علت آن پی نخواهم برد. ما در اینجا ماهیت و شخصیت خدای زنده خود را داریم که اگر مسیح حقیقتاً از آن ما است، خدا همه چیز را در او به رایگان به ما می‌بخشد. چه کلامی! چه عبارتی!
«همه چیز!»

من از جمله «تو را اجابت خواهم نمود» فقط یک چیز می‌فهمم: منظور خدا دقیقاً همان چیزی است که می‌گوید. تجربه شخصی‌ام مرا به این باور سوق می‌دهد که خدا به دعا جواب خواهد داد. اگر هیچ کس باور نکند، من باور می‌کنم. می‌توانم با جسارت بگویم که «خدا به دعا جواب می‌دهد». دعای جواب داده شده بر روی هر صفحه زندگی هر روزه‌ام نوشته شده است. من در کنار آیه ارمیا ۳۳: ۳ اینطور نوشته‌ام: «آزموده شده و به اثبات رسیده». می‌توانم بگویم که خدای کتاب مقدس، خدایی که او را خدمت می‌کنم، دعا را می‌شنود و جواب می‌دهد. او هرگز باعث شرم و خجالت من نشده و نخواهد شد. او به ضعیف‌ترین ناله‌ام جواب داده و من ایمان دارم تا روزی که به جلال برسم، این کار را خواهد کرد.

اجازه می‌دهید به شما اصرار کنم که دعا کنید؟ هر روز زمان شخصی را برای خواندن نام خداوند اختصاص دهید. وارد اتاق مخفی خود شده،

در را ببندید و در مسیح به حضور خدای زنده خود دعا کنید. او شما را در نهان خواهد شنید و آشکارا پاداش خواهد داد. در آن مکان خلوت خود به او بگویید در دلتان چه می‌گذرد. به خاطر داشته باشید او شبانی است که از ما مراقبت می‌کند. پس نیاز خود را به او بگویید. او کاهنی است که به نمایندگی ما عمل می‌کند. پس، گناهان خود را به او اعتراف کنید. او دوستی است که شما را درک کرده، تسلی می‌بخشد. پس، قلب خود را به روی او باز کنید. او برادری است که به فکر شما است. پس، مشکلات خود را به وی بگویید. او نجات دهنده‌ای است که می‌تواند دوستان و عزیزان شما را نجات بخشد. پس، درباره آنها با وی صحبت کنید. او خدای زنده‌ای است که قدرت دارد از ما حمایت کند و همه نیازهایمان را برطرف سازد. پس، آنچه را که در دل دارید، به وی بگویید. او معشوق روحهای ما است. پس، بیایید به وی بگوییم دوستش داریم و می‌خواهیم با او باشیم. او استخوانی از استخوانهای ما و گوشتی از گوشت ما است. بنابراین، با ما همدرد است. پس، بیایید با او درباره همه آن چیزهایی که ناراحتان می‌کنند صحبت کنیم.

همانطور که شاگردان یحیی تعمید دهنده در زمانی که نزد مسیح رفتند تا به او بگویند استادشان را سرزده‌اند عمل نمودند، مشکل خود را به او بگویید. همچون مریم در وقتی که پیش مسیح رفت تا درباره مرگ برادرش ایلعازر به او بگوید، غم و اندوه خود را به وی بگویید. همانطور که پولس برای خاری در جسم خود دعا کرد، دردتان را به او بگویید. همانند آن زن کنعانی که با ناله و فریاد برای شفای دختر دیورده خود درخواست کمک کرد، اندوه خود را با او در میان بگذارید. همانطور که شاگردان درباره دیوهایی که در نام مسیح اخراج کرده بودند صحبت کردند، راجع به شادی خود با او حرف بزنید. همچون شاگردان که از وی خواستند دعا کردن را به آنها بیاموزد، مشکل خود را به او بگویید. درباره فقدان ایمان، نیاز به رشد در فیض و میل خود به راه رفتن در عدالت و قدوسیت حقیقی به او بگویید.

هر چه را که در دل دارید به او بگویید!

می‌توان در این خصوص صحبتها کرد، اما آنچه بیان شد برای نشان دادن این موضوع بود که دیگران نام او را در دعا خوانده‌اند و خدا دعایشان را شنیده است. بنابراین، شما را برای دعای کردن تشویق می‌کنم، چون او دارد می‌شنود. هر آنچه را که در دل دارید، به او بگویید، بیشتر اوقات به او بگویید و همیشه به وی بگویید. بله، همین حالا به او بگویید چون او اهمیت می‌دهد. او شما را می‌شناسد، دوستان دارد و درکتان می‌کند.

تسلیم اراده‌ او

حالا کمی از آنچه را که امتیاز دعا کردن است درک می‌کنید، امتیاز مبارک آمدن به نزد تخت فیض او تا رحمت و فیضی بیابید که در زمان نیاز کمکتان خواهد کرد (عبرانیان ۴: ۱۶). اما لازم است این موضوع را هم برای شما بشکافم که دعا باید همیشه در تسلیم به اراده‌ خدا کرده شود. وقتی می‌گوییم خدا دعا را می‌شنود، مقصودم این نیست که او همیشه عملاً هر چه را که درخواست می‌کنیم به ما می‌دهد. با این وجود، منظورم این است که خدا آنچه را که به بهترین شکل به نفع ما است به ما می‌دهد، آنچه را که به خیریت ما است. به این موضوع در قسمت مبارک اول یوحنا ۵: ۱۴ - ۱۵ اشاره شده: «و این است آن دلیری که نزد وی داریم که هر چه بر حسب اراده‌ او سؤال نماییم ما را می‌شنود و اگر دانیم که هر چه سؤال کنیم ما را می‌شنود، پس می‌دانیم که آنچه از او درخواست کنیم، می‌یابیم.»

همچنین لازم است به شما نصیحت کنم که مزبور ۶۶: ۱۸ می‌گوید اگر در زندگی ما گناهی باشد، خدا دعایمان را نخواهد شنید. گناه را باید اعتراف و سپس، ترک نمود. امثال ۲۸: ۹ به ما می‌گوید اگر از کلام خدا سرپیچی کنیم، آن را نشنویم و به عمل نیاوریم، او دعای ما را نخواهد شنید. اما اگر با ایمان آمده، به گناهانمان اعتراف کرده، توبه کنیم و خود را در زیر دست

قدرتمند خدا فروتن سازیم، او ما را می‌شنود و اسارت ما را به آزادی و رهایی در مسیح تبدیل خواهد کرد.

این سؤال اغلب شنیده می‌شود که چطور می‌توانم دعا کردن را یاد بگیرم؟ تنها جوابی که تا به حال برای این سؤال پیدا کرده‌ام این است: دعا کنید! کار نیکو کردن از پُر کردن است. دعا کنید و به این کار ادامه دهید. صبح، ظهر و شب دعا کنید. در محل کار، مدرسه و دانشگاه، در خانه و خیابان، دعا کنید. همه جا برای همه چیز و تحت هر شرایطی دعا کنید. دعا کنید، دعا کنید و همچنان دعا کنید. دعا کردن قطعاً کاری است که همه عمر باید انجام داد.

دعا کنید و شاهد کار خدا باشید. در منزل و در محل کارتان جلسه دعا برپا کنید و شاهد کار خدا باشید. دعا کنید و همچنان به این کار ادامه دهید!

سوالات آموزشی درس دوازدهم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سؤالات زیر، متن این فصل را بخوانید.

نبود دعا

۱. الف- چه چیزی مانع از رسیدن «اوقات استراحت از حضور خداوند» می‌شود؟

ب- آیا چنین چیزی را در زندگی خود مشاهده می‌نمایید؟

ج- وقتی دعا نمی‌کنیم، نتیجه چه خواهد شد؟

تشویق به دعا

۲. لطفاً نکته بسیار کلیدی ۱۵ آیه ذکر شده در این درس را به زبان خود خلاصه کنید.

در مسیح عیسی

۳. دعا قلبی است که در مسیح عیسی برای خدای زنده می‌تپد. (که تعریفی است جالب از دعا)

نقشی را که مسیح در زندگی مبتنی بر دعای ما ایفا می‌کند شرح دهید.

تسلیم اراده‌ او

۴. توضیح دهید منظور از این که دعا باید همیشه در تسلیم به اراده‌ خدا کرده شود چیست.

الف- چه مانعی باعث می‌شود خدا دعای ما نشنود؟

ب- نکته‌ اصلی موجود در آیات زیر را بنویسید:

- مزمو ۶۶: ۱۸

- امثال ۲۸: ۹

۵. چگونه دعا کردن را می‌آموزیم؟

۶. قسمتهای کتاب مقدسی زیر با موضوع این فصل یعنی «خدا ما را به دعا کردن فرامی‌خواند» مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- اشعیا ۴۳: ۲۵ - ۲۶

ب- هوشع ۱۰: ۱۲

ج- یوحنا ۴: ۲۳

۱۳. زمینه‌های اعتماد ما

اوقات استراحت

روح نیز امداد می‌کند

اگر آنچه تاکنون گفته شد جهت تشویق دل‌های ما در امر خدمت دعا و تضرع کافی نبوده، رومیان ۸: ۲۶ - ۲۷ می‌گویند: «همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند زیرا که آنچه دعا کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم. لکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد و او که تفحص‌کننده دل‌هاست، فکر روح را می‌داند زیرا که برای مقدسین برحسب اراده خدا شفاعت می‌کند.» چه حقیقت مبارکی! روح القدس، روح پسر خدا به قلب شما وارد می‌شود تا ندا کنید «آبا، ای پدر» و نیز تا اینکه در شما روح تضرع در زمانی باشد که نمی‌دانید چطور آنگونه که باید دعا کرد، دعا کنید!

نه تنها به ناقابل بودن و ناشایستگی خود بیندیشید، بلکه نیز به این فکر کنید که شما مثل خود عیسی مسیح نزد خدا مقبول هستید! با علم به همه غفلتها و سستی‌های خویش به روح القدس فکر کنید که در شما بر حسب

اراده خدا شفاعت می‌کند و شما با صدای بلند می‌گویید: «چه فیض شگفت انگیزی است که از طریق مسیح به وسیله روح به پدر دسترسی دارم! من می‌توانم و باور می‌کنم که خدای من مرا خواهد شنید! آه که دعا چه برکتی است! فی‌الحقیقه، خدای زنده ما چه امتیازی به ما داده که لازم نیست برای چیزی نگران باشیم، بلکه در هر چیز با دعا و تضرع با شکرگزاری درخواستهای خود را به او بیان کنیم و در این صورت است که آرامش خدا که فراتر از هر درک انسانی است، دلها و فکرهای ما را از طریق مسیح عیسی نگاه خواهد داشت (فیلیپیان ۴: ۶-۷).

طبق اراده خدا

ما با دعا کردن بر طبق اراده خدا این اطمینان را داریم که او صدای ما را می‌شنود و اینکه درخواستهایی که از او می‌کنیم اجابت می‌گردند. بیایید به اراده خدا در دعا توجه کنیم و به برخی از بسیار مواردی که می‌توانیم برای آنها دعا کنیم پی ببریم و بدانیم که داریم حقیقتاً در اراده خدا دعا می‌کنیم.

عبرانیان ۱۰: ۳۸ می‌گوید: «عادل به ایمان زیست خواهد نمود». اراده خدا این است که چنین ایمانی را که هم نجات می‌بخشد و هم در او ننگه می‌دارد نه تنها برای خودمان، بلکه برای دیگران نیز درخواست کنیم.

اول تسالونیکیان ۵: ۱۸ می‌گوید: «.... این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی». اینکه در دعا زمانی را به تشکر از خدای زنده خود به خاطر برکات بی‌شماری که به ما ارزانی داشته اختصاص دهیم، فی‌الواقع دعا کردن بر طبق اراده خداست.

در مزمو ۱۵۰: ۶ چنین می‌خوانیم: «هر که روح دارد، خداوند را تسبیح بخواند». اینکه در دعا و زندگی روزانه نام متبارک، مقدس و عادل خدایی را که ملجای ما است پرستش کنیم، اراده خداست. بله، او را به خاطر

صفاتی که دارد یعنی برای هر آنچه که هست ستایش کنید. این همان دلیلی است که خداوند به ما یاد داد که وقتی دعا می‌کنیم، قبل از هر چیز بگوییم: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد» (متی ۶: ۹).

اول تیموتائوس ۲: ۳-۴ به ما می‌گوید: «زیرا که این نیکو و پسندیده است در حضور نجات دهنده ما خدا که می‌خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند». ما می‌توانیم با ایمان و اطمینان برای نجات گمشدگان دعا کنیم. پس، با ایمان و اطمینان کامل در روح خود دعا کنیم که خدا کسانی را که تشنه‌اند سیراب سازد، بر زمین خشک سیل (برکات) جاری کند و روح خود را بر فرزندان ما بریزد و برکات را بر نسلهای مان.

اول یوحنا ۱: ۹ می‌گوید: «اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد». این اراده خداست که دعای اعتراف را بکنیم و همه گناهان خود را به پیش تخت فیض آورده، آنها را اقرار بنمائیم، ترک کنیم و از آرایش آنها پاک شده، از برف سفیدتر شویم! واقعاً که دعا عجب برکتی است که در آن می‌دانیم وقتی خدا را می‌خوانیم، حتی اگر برای اعتراف گناهانمان باشد، او ما را می‌شنود!

در اول تسالونیکیان ۴: ۳ اینطور می‌خوانیم: «این است اراده خدا یعنی قدوسیت شما». یا اول پطرس ۱: ۱۶ اینطور می‌گوید: «مقدس باشید زیرا که من قدوسم». این موضوع دیگری است که می‌توانیم برای آن در حضور خدا ناله و استغاثه کنیم و بدانیم که این در اراده اوست و او که در دل‌های ما کار می‌کند و در صورت مسیح ظاهر گردیده، ما را برای مشارکت با خدا و خدمت او در روح القدس از گناه جدا کرده است. با پی بردن به اینکه حتی تقدیس ما نیز اراده خدا است، می‌توانیم برای تقدیس در زندگی خود و فرزندانمان دعا کنیم.

اعمال ۱: ۸ و متی ۲۸: ۱۹ به ما می‌گوید که باید انجیل را اعلام کنیم و شاهدان مسیح باشیم. پس لازم است این مورد نیز یکی از بارهای دعای ما باشد و بدانیم که داریم بر طبق ارادهٔ خدا دعا می‌کنیم و اینکه او ما را می‌شنود. باید برای خادمین، معلمین، مبشرین و مترجمین مسیحی و برای همهٔ شاهدان او در هر جا دعا و شفاعت کنیم. چه امتیازی است که بتوانیم برای سفیران خدا و پیشبرد انجیل در همهٔ کشورها دعا کنیم!

حال ای دوست ایماندار من، می‌بینی برای چه موضوعات زیادی می‌توان دعا کرد که همگی آنها بر طبق کلام خدا ارادهٔ او هستند و می‌توان این اطمینان را داشت که او دعای ما را خواهد شنید و جواب خواهد داد؟

مطمئناً می‌دانیم که وقتی همچون پولس رسول برای قوم خدا در هر جا به شکل دعای مکتوب در افسسیان ۳: ۱۴ - ۱۹ دعا می‌کنیم، در حقیقت داریم در ارادهٔ خدا دعا می‌نماییم. «از این سبب زانو می‌زنم نزد آن پدر که از او هر خانواده‌ای در آسمان و بر زمین مسمی می‌شود که به حسب دولت جلال خود به شما عطا کند که در انسانیت باطنی خود از روح او به قوت زورآور شوید تا مسیح به وساطت ایمان در دل‌های شما ساکن شود و در محبت ریشه کرده و بنیاد نهاده استطاعت یابید که با تمامی مقدسین ادراک کنید که طول و عرض و عمق و بلندی چیست و عارف شوید به محبت مسیح که فوق از معرفت است تا پُر شوید تا تمامی پری خدا.» واقعاً که چه درخواستی! عجب شفاعتی است که می‌توان برای قوم خدا کرد! فیض دعا همین است.

مسئولیتی خطیر

واقعاً که چه مسئولیت خطیری است! به این موضوع فکر کنید. دعا مسئولیتی است که بر عهدهٔ ما گذاشته شده است. اغلب اوقات از تاریکی، وضع نزار و شکست در زندگی خود چنان شکایت می‌کنیم که گویی هیچ

کمکی وجود ندارد، در حالیکه خدا وعده داده هر نیاز ما را برطرف سازد و در جواب دعاهایمان، نور و قوت و آرامش خود را به ما عطا فرماید. آه که اگر مسئولیت داشتن چنین خدا و وعده‌هایی و نیز گناه و شرمساری مغتتم نشمردن این مسئولیتها را درک کنیم، چه خواهد شد! در این صورت، چقدر از بابت فیضی که ما را قادر به درست دعا کردن خواهد ساخت، مطمئن خواهیم شد!

به خاطر داشته باشید که «خدای من همهٔ احتیاجات شما را بر حسب دولت جلال خود در مسیح عیسی رفع خواهد نمود» (فیلیپیان ۴: ۱۹). بنابراین، «دعا کنید و پیوسته به دعا کردن ادامه دهید چون خدای ما دعا را می‌شنود و جواب می‌دهد» و هنگامی که «اوقات استراحت از حضور خداوند می‌رسند» (اعمال ۳: ۱۹) باید او را به خاطر همهٔ آنچه هست یعنی به عنوان خدای ما در مسیح ستایش نموده، شکر کنیم.

سوالات آموزشی درس سیزدهم

لطفاً قبل از پاسخ دادن به سوالات زیر، متن این فصل را بخوانید.

روح نیز امداد می‌کند

۱. الف - نکتهٔ اصلی موجود در رومیان ۸: ۲۶ - ۲۷ چیست؟

ب - این نکته چگونه ما را در زمینهٔ دعا کردن تشویق می‌نماید؟

طبق ارادهٔ خدا

۲. وقتی طبق ارادهٔ خدا دعا می‌کنیم، این اطمینان را داریم که او جواب دعای ما را می‌دهد. موضوعاتی که می‌توانیم برای آنها دعا کنیم و مطمئن باشیم که داریم بر طبق ارادهٔ خدا دعا می‌کنیم و در اینجا نیز فهرست شده‌اند، کدامها هستند؟

مسئولیتی خطیر

۳. الف- چرا دعا مهمترین «مسئولیت» یک مسیحی است؟

ب- واکنش شخصی شما به این موضوع چیست؟

۴. قسمتهای کتاب مقدسی زیر به موضوع این درس یعنی «زمینه‌های اطمینان ما» مرتبط هستند. مرجع و معنی اصلی هر آیه را به زبان خودتان بنویسید. لطفاً هنگام نوشتن معنی آیات، فقط آن قسمت از آیه را که با موضوع فصل مرتبط است توضیح دهید.

الف- اول یوحنا ۵: ۱۴ - ۱۵

ب- یوحنا ۳: ۱۹ - ۲۲

شخصی سازی موضوع

۵. الف- لطفاً مقداری از وقت خود را به مرور درسهای این دوره آموزشی اختصاص دهید و به طور خلاصه بنویسید از این دوره چه آموختید؟

ب- در نتیجه آنچه آموختید، سعی در ایجاد چه تغییرات دائمی‌ای در زندگی دعایی خود خواهید داشت؟

اختیاری

۶. ضمیمه ۱ «دایره دعا» است که به نظر بسیاری از افراد، در افزایش ظرفیت بیشتر جهت دعا کردن مفید واقع شده است. اگر به دعاهای کوتاه و روتین عادت کرده‌اید، لطفاً با استفاده از این دایره دعا به عنوان راهنما، یک ساعت از وقت خود را صرف دعای شخصی بکنید.

لطفاً وقتی این کارها را انجام دادید، زمان، تاریخ و مکان دعا را بر روی پاسخنامه خود بنویسید. آن یک ساعت از وقت دعایتان چطور بود؟ آیا تکرارش خواهید کرد؟

از شما به خاطر گذراندن این دورهٔ درسی تشکر می‌کنیم. باشد که برای ادامهٔ مطالعهٔ کلام خدا تشویق شده باشید.

۱۴. ضمیمه ۱: دایره دعا

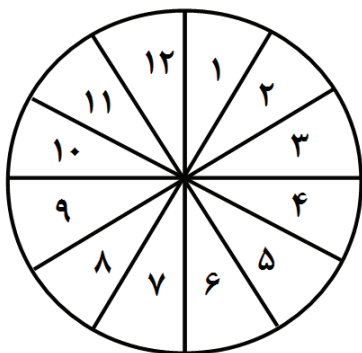
دایره دعا به خیلی از کسانی که با دوره‌های طولانی‌تر دعا ناآشنا بودند کمک کرده تا این عادت پربرکت داشتن دعای شخصی بلندمدت را در خود ایجاد نمایند. بعد از چندین بار استفاده از این دایره، درخواست خواهید یافت که دیگر نیازی نیست به این دایره وابسته باشید و خودتان خواهید توانست دعا‌های طولانی‌تری بکنید. هدف ما نیز همین است یعنی ارتباط شخصی شیرین شما با منجی‌تان.

تصور کنید یک ساعت به ۱۲ قسمت ۵ دقیقه‌ای یا سه ساعت به ۱۲ قسمت ۱۵ دقیقه‌ای تقسیم شده است. این ۱۲ قسمت برای هر یک از انواع دعا‌های زیر به ترتیب مورد استفاده قرار می‌گیرند.

قسمتها:

۱. ستایش
۲. انتظار
۳. اعتراف به گناهان
۴. خواندن کلام

۵. شفاعت
۶. درخواستها
۷. دعا کردن در مورد قسمت خوانده شده از کلام
۸. شکرگزاری
۹. سرود
۱۰. تفکر و تأمل
۱۱. گوش کردن
۱۲. ستایش



رهنمونهایی جهت استفاده از دایره دعا

۱. از حدود یک هفته قبل طوری برنامه‌ریزی کنید که بتوانید (هر روز) یک ساعت از وقت خود را برای داشتن خلوتی عاری از هرگونه وقفه و مزاحمت اختصاص دهید.
۲. جای بسیار خلوتی را انتخاب نمایید که در آن هیچ چیز حواس شما را پرت نخواهد کرد. اطمینان حاصل کنید که دیگران می‌دانند آنجا برای شخص شما و طی آن مدت در نظر گرفته شده است.

۳. هر روز قبل از هر چیز از خداوند بخواهید قلب شما را آماده کند.
۴. کتاب مقدس، فهرستهای دعایی که دارید و شاید سرودنامه و دفتر یادداشتی با خود همراه بیاورید. کار را با این درخواست شروع کنید که خداوند شما را با روح خود پر کرده، نحوه دعا کردن را به شما بیاموزد.
۵. دایره دعا به ۱۲ قسمت تقسیم شده است. در هر قسمت، برای افراد یا موضوعات مربوط به همان قسمت دعا کنید. اگر وقت شما یک ساعت است، هر یک از این قسمتها حدود ۵ دقیقه به طول خواهد انجامید. اگر خداوند شما را هدایت می کند این زمانها را بیشتر کنید، کار بسیار مناسبی خواهد بود.
۶. در طول این مدت، آزادانه جای خود را عوض کنید. حتی می توانید بعضی وقتها هنگام دعا کردن راه بروید.
۷. از مشاهده گذر سریع زمان شگفت زده خواهید شد! جای امیدواری است که این موضوع شما را برای انجام مجدد دوره ای دعا و گذراندن وقتی بیشتر در این زمینه تشویق خواهد کرد.